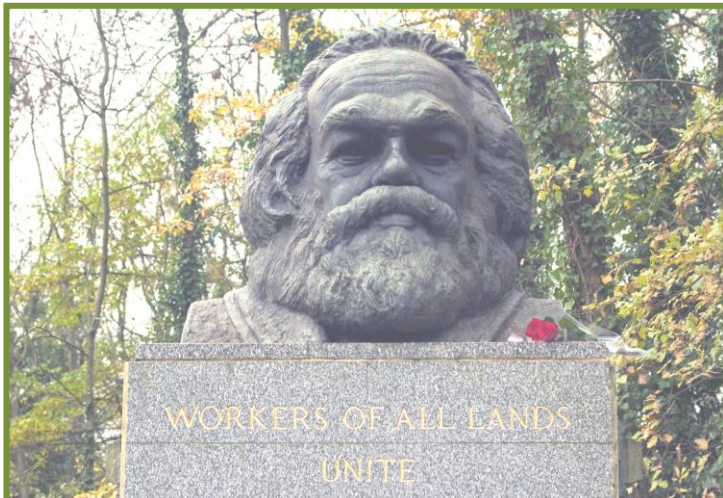


سرمقاله

طوفانی در راه است!

... برخی نیروها برغم شواهد آشکار مبنی بر وجود یک دوران انقلابی در جامعه ما و برآمدهای آشکار و وسیع توده ای و برغم مشاهده تاثیرات خیره کننده خیزش قهرمانانه توده ای در کارزون، تحت نفوذ تبلیغات رسانه های معلوم الحال و مرتجع امپریالیستی که وظیفه ای جز سد کردن راه انقلاب ندارند، هنوز رویدادهای کارزون را تخطئه می کنند. این نیروها با مستمسک قرار دادن عواملی نظیر دخالت و نقش این یا آن مهره هیات حاکمه در شکل گیری خیزش توده ای در کارزون و "محدودیت" آن در جنبه اعتراض به تقسیمات کشوری، با تنگ نظری تمام این جنبش را یک جنبش صرفاً "مطالباتی" خوانده و بعد حکم صادر می کنند که نباید آن را مورد تأیید و پشتیبانی قرار داد. نیروهای فوق با چنین ایده های باطلی نهایتاً خواسته یا ناخواسته به همسویی با موضع استثمارگران و سرکوبگران حاکم در می غلطند و در مقابل سیل مبارزات مردمی می ایستند....

صفحه ۲



کارگران جهان متحد شوید!

گرامی یاد خاطره تابناک اندیشمند کبیر و یکی از رهبران جاوید طبقه

کارگر، کارل مارکس، در دویستمین سالگرد تولدش!

در صفحه ۲۴

اشرف دهقانی

درس های قیام دیماه! (قسمت اول)

... ما در جامعه خود شاهدیم که سرمایه داری حاکم بر ایران اگر چه همه مشخصات اصلی سرمایه داری به طور کلی یعنی استثمار نیروی کار و قرار دادن ارزش اضافی در اختیار سرمایه داران را داراست ولی دارای ویژگی وابستگی است که آن را از سرمایه داری حاکم بر جوامعی نظیر فرانسه و انگلیس و غیره متمایز می کند. نکته اصلی این است که جهت حرکت سرمایه در ایران را منافع و مصالح امپریالیستی تعیین می کند. از این رو بورژوازی ایران قادر نیست همچون بورژوازی کشورهای متروپل، خود مستقلاً به اتخاذ این یا آن سیاست دست بزند، بلکه باید مجری سیاست هائی باشد که بورژوازی امپریالیستی برای وی تعیین می نماید. مثال واضح در این مورد جنگهائی است که جمهوری اسلامی به مثابه رژیم حافظ منافع بورژوازی در ایران از زمان روی کار آمدن خود به آنها دست زده است...

صفحه ۵

در باره خروج ایالات متحده

آمریکا از "توافق اتمی"

... امپریالیسم آمریکا در شرایط تداوم بحران اقتصادی گریبانگیر خود بویژه در دو دهه اخیر برای کسب امتیازات اقتصادی بیشتر از رقبا و تحمیل "رهبری" یعنی دیکته کردن سیاستهای مورد نظر خود در صفوف قدرتهای اعظم نظام سرمایه داری، بیش از پیش به خط گسترش بحران و میلیتاریسم روی آورده است. در اجرای این خط، یکی از پروژه ها، بازی با "کارت هسته ای" جمهوری اسلامی می باشد. تلاش برای تخفیف بحران اقتصادی گریبانگیر نظام اقتصادی آمریکا از طریق انتقال آن به شرکاء و نوکران آمریکا، تهدید و فشار بر رقبا و بحران سازی، تشدید مسابقه تسلیحاتی و فروش سلاح و لشکر کشی نظامی یکی از اساسی ترین ابزارهای پیشبرد چنین سیاستی ست...

صفحه ۲۰

گفتگویی در باره حزب سازی

اکثریتی ها

(مصاحبه کانال "بذره های ماندگار" با رفیق

فریبرز سنجر)

... اکثریتی ها تشکل جدیدی را علم کرده اند اما با توجه به اینکه در این کنگره تصویب منشور مورد توافقشان را به دومین کنگره حزب اکثریت ساخته موکول کرده اند مصلحت را در این دیدند که فعلاً سازمان خودشان را حفظ کنند تا اگر در جریان عمل خطوط مورد نظرشان با مخالفت روبرو شد تشکلی را که با همه تناقضاتش فعلاً دارند را از دست نداده باشند. باید در نظر داشت که این جریان، سازمان، به مفهوم شناخته شده اش نیست. خطوط سیاسی کاملاً گوناگون و مختلفی در آن در کنار هم به "همزیستی" مسالمت آمیز"، مشغولند...

صفحه ۱۱

در صفحات دیگر

- تداوم کشتار خلق فلسطین بدست اسرائیل ۴
- گزارش فعالین چریکهای فدایی خلق ایران از تظاهرات اول ماه مه در کشورهای مختلف ۱۴
- اطلاعیه های سازمان در مورد روز جهانی کارگر و رویدادهای کارزون ۲۱ و ۲۲
- کمک های مالی ۲۴

طوفانی در راه است!

صحنه هایی پس از رویارویی جوانان و نیروهای
سرکوبگر در کازرون



ادعایی در بارگاه دیکتاتوری حاکم چه معنایی دارد.

از سوی دیگر، در مواجهه با ابعاد این خیزش مردمی، فرمانده انتظامی استان فارس با نامیدن اعتراضات برحق مردم کازرون به عنوان "آشوب" کوشید تا در یک تناقض گویی رسوا و آشکار، تظاهرات را به عوامل "ضد انقلاب" و "گروه های معاند" و "تبهکاران و بزهکاران اجتماعی" سابقه دار" منتسب کند. وی اعلام کرد: "این آشوب با دستگیری محرکان و لیدرهای اصلی که نزدیک به ۴۰ درصد آنان دارای سابقه کیفری هستند و برخی از آنان از خارج استان وارد این شهرستان شدند پایان یافته است و کازرون اکنون در آرامش به سر می برد." امری که از همان ابتدا با ریشخند و تمسخر توده های وسیع مردم کازرون که برای سربگونی ستمگران حاکم و رسیدن به نان و آزادی به پا خاسته اند مواجه شد. این اظهارات توخالی و کذب در حالی توسط دیگر نهادها و مقامات حکومت تکرار شد که جوانان دلاور کازرونی (همان "لیدرهای" مورد نظر فرمانده مزدور نیروی انتظامی) یک روز پس از نبرد جانانه شان با مزدوران رژیم و نیروی ضد شورش اعزامی از شهر شیراز با تهیه فیلمهایی از بقایای موتور سیکلت های سوخته شده نیروی انتظامی و خودروهای بسیج و سپاه که در سطح شهر به آهن پاره تبدیل شده بودند، در شبکه های اجتماعی از آنها به عنوان "هدیه مردم کازرون به جمهوری اسلامی" نام بردند و نشان دادند که چهره دشمن را شناخته و جنبش آنان نه صرفا برای تقسیم و یا عدم تقسیم کازرون بلکه برای کندن ریشه ظلم و ستم و نابرابری است که این چنین دلاوانه به پا خاسته و نظم جمهوری اسلامی را به چالش کشیده است.

همه می دانند که تظاهرات چهارشنبه و پنج شنبه (۲۶ و ۲۷ اردیبهشت) در شهر

شعارهای آن، چارچوب رژیم را درنوردید. تظاهرات ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ماه نقطه اوج این رویدادها بود که به یک جنگ تمام عیار بین جوانان و نیروهای سرکوبگر محلی و تقویتی ارسال شده از شهرهای دیگر استان تبدیل شد.

در جریان این خیزش توده ای، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضد خلقی اش با استفاده از زور عریان، تظاهر کنندگان را به خاک و خون کشید و نیروهای سرکوبگرش چند تن از معترضین را با شلیک مستقیم به قتل رسانده و یا مجروح کردند. خبرگزاری های رژیم در ابتدا از کشتن حداقل یک نفر و مجروح شدن ۶ تن خبر دادند اما بر اساس گزارشات مردمی تعداد کشته شدگان بیش از سه نفر می باشد. در ویدئو های منتشر شده نیز دیده می شود که توده های مردم طی تظاهراتی پیکر سه تن از شهدای کازرون را مشایعت کردند. در ضمن، تعداد نامعلومی از مردم به پا خاسته نیز توسط مزدوران حکومت دستگیر و به سیاهچالهای رژیم منتقل شده اند که از سرنوشت آنها فعلا خبری در دست نیست. با وجود این سرکوبگری ددمنشانه، دشمن نه موفق شد تا برنامه خود را در این شهر پیش برده و نه توانست خشم خود را از ضرب شستی که جوانان کازرون با دست خالی به نیروهای سرکوبگر رژیم نشان داده بودند پنهان کند. در چنین شرایطی، جلادان فریبکار حاکم برغم تمام قساوتی که در سرکوب مردم به پا خاسته از خود نشان داده بودند ریاکارانه مدعی شدند که نیروهای سرکوبشان با تحمل و نشان دادن "سعه صدر" در مقابل تظاهر کنندگان با آنها برخورد کرده اند. البته اعلامیه وزارت کشور ضمن تهدید مردم بیاخاسته با عریه کشی از "برخورد قاطعانه" با "مردم به جان آمده" سخن گفت و نشان داد که آن "سعه صدر"

رویارویی دلیرانه هزاران تن از مردم ستمدیده شهر کازرون و بویژه جوانان مبارز این شهر با نیروهای سرکوب رژیم در آخرین روزهای اردیبهشت ماه که توسط جمهوری اسلامی به خون کشیده شد، صحنه برجسته دیگری از تداوم جنگ آشکاری را به نمایش گذارد که چه در قیام دیماه و چه پس از آن در اشکال مختلف در جامعه جریان یافته است. جنگ مردم مبارز کازرون با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و رویدادهای مربوط به آن نیز به نوبه خود نشان داد که توده های تحت ستم ایران دیگر حاضر به تمکین در مقابل ستمگران خود نبوده و خواهان یک انقلاب اجتماعی در جامعه می باشند. شرح آنچه در کازرون گذشت گوشه ای از این واقعیت را عیان می سازد.

از مرداد ماه سال گذشته بدنال تصویب طرح تقسیم کازرون در یکی از کمیسیون های مجلس و هراس مردم از کاهش بودجه و امکانات محدود شهر، اعتراضاتی علیه این طرح توسط مردم صورت گرفت. تجمع در مقابل فرمانداری این شهر در اسفند سال گذشته برجسته ترین مورد این اعتراضات بودند. ولی به موازات رشد فضای مبارزاتی علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در سراسر جامعه از فرودین ماه اعتراضات علیه تقسیم شهر کازرون به تدریج به اعتراضات ضد رژیمی بدل شد و به سطح خیابانهای شهر کشیده شد. تا جایی که در جریان یکی از این تجمعات و راهپیمایی ها، تظاهر کنندگان صحن نماز جمعه شهر را نیز تسخیر کرده و شعارهایی نظیر "رو به میهن، پشت به دشمن" سردادند. در این مقطع به رغم تمام تلاش های مقامات و جناح های مختلف آن که برخا در ابتدا به خاطر منافعشان می کوشیدند توده ها را در راستای اهداف ضد انقلابی خویش سازمان دهند، حیطه اعتراضات توده ای و

مبارزه مستقیم، لاجرم احتمال یک انفجار بزرگ تر توده ای علیه کلیت حاکمیت استثمارگرانه جمهوری اسلامی را با خود حمل می کند.

در چنین شرایطی صرفنظر از دشمنان شناخته شده مردم جریانی هم در اپوزیسیون وجود دارند که سعی در خلط حقایق و گمراه کردن افکار عمومی را دارند و جنبش های توده ای اخیر یکی از پسترهایی ست که این نیروها با تمرکز بر آن ها مشغول پخش ایده های انحرافی خویش در جامعه می باشند.

نیروهای فوق برغم شواهد آشکار مبنی بر وجود یک دوران انقلابی در جامعه ما و برآمدهای آشکار و وسیع توده ای و برغم مشاهده تأثیرات خیره کننده خیزش قهرمانانه توده ای در کارزون، تحت نفوذ تبلیغات رسانه های معلوم الحال و مرتجع امپریالیستی که وظیفه ای جز سد کردن راه انقلاب ندارند، هنوز رویدادهای کارزون را تخطئه می کنند. این نیروها با مستمسک قرار دادن عواملی نظیر دخالت و نقش این یا آن مهره هیات حاکمه در شکل گیری خیزش توده ای در کارزون و "محدودیت" آن در چنبره اعتراض به تقسیمات کشوری، با تنگ نظری تمام این جنبش را یک جنبش صرفاً "مطالباتی" خوانده و بعد حکم صادر می کنند که نباید آن را مورد تأیید و پشتیبانی قرار داد. نیروهای فوق با چنین ایده های باطلی نهایتاً خواسته یا ناخواسته به همسویی با موضع استثمارگران و سرکوبگران حاکم در می غلطند و در مقابل سیل مبارزات مردمی می ایستند.

نیروهای فوق با اتخاذ چنین موضعی نشان می دهند که از درک واقعیات مبارزاتی عینی در جامعه ما ناتوانند. آنها اساساً به روندهای عمومی حاکم بر جامعه ما که به طور روزمره منعکس کننده تعمیق و شدت یابی تضادهای طبقاتی و فشار فزاینده دیکتاتوری حاکم بر تمامی طبقات و اقشار تحت ستم می باشد بی توجه اند و نمی خواهند ببینند که در نتیجه تراکم تدریجی آن فشارهاست که بالاخره در یک نقطه و با یک دستاویز واکنش های روزمره طبقات تحت ستم به وضع موجود بروز پیدا می کنند و در رادیکالترین اشکال مبارزاتی جلوه گر می شوند. و بالاخره در تئوریه و تحلیل های آنان که ربطی به واقعیات ندارند، جواب این پرسش ساده غایب است که **به فرض نقش یک امام جمعه و یا نماینده مرتجع مجلس که در ابتدای این جنبش توده ای کوشیده مردم را در جهت تحقق خواست منفعت طلبانه خود سازماندهی کنند، چرا این مردم بازهم با وجود قول رژیم برای توقف طرح تقسیم شهر و عربده کشی های همان مقامات برای توقف تجمع و اعتراض، برای مدتها در صحنه مبارزه مستقیم با کل رژیم باقی می ماند و سینه خود را در مقابل گلوله های**

همه می دانند که تظاهرات چهارشنبه و پنج شنبه (۲۶ و ۲۷ اردیبهشت) در شهر نقطه اوج اعتراضاتی ست که چند ماه است بر بستر طرح تقسیمات کشوری از این نقطه بسیار محروم کشور شعله کشیده ... انرژی و پتانسیل عظیم انقلابی که مردم کارزون یعنی کارگران، زحمتکشان و سایر توده های دربند این شهر در رویدادهای اخیر از خود به نمایش گذاردند پیش از هر چیز نمایانگر این واقعیت است که ۴۰ سال حاکمیت ظلم و استبداد جمهوری اسلامی از جامعه تحت سلطه ما یک انبار باروت ساخته است. در چنین شرایطی هر گونه ورود توده مردم به هر پهانه ای به صحنه مبارزه مستقیم، لاجرم احتمال یک انفجار بزرگ تر توده ای علیه کلیت حاکمیت استثمارگرانه جمهوری اسلامی را با خود حمل می کند.

کارزون که از ابتدای حرکت با الهام از سمبلهای مبارزاتی شان نظیر "ناصر دیوان" (یک رهبر آزادخواه کارزونی در زمان جنگ جهانی اول که توده های این منطقه را علیه امپریالیسم انگلیس متشکل کرد و با آنها جنگید و به همین خاطر در دل مردم آزاده جای دارد) پا به میدان گذارده بودند حتی تره هم برای ریش مرتجعینی نظیر امام جمعه این شهر خرد نکردند و کنترل حرکت شان را خود به دست گرفتند. از این پس، نمایش مبارزاتی مردم کارزون چنان خوفی را در دل مقامات حکومت ایجاد کرد که یکی از نمایندگان فربیکار مجلس ارتجاع، پس از وقوع درگیری ها با تلاش برای استتار علت واقعی خیزش قهر آمیز مردم با بیم و هراس مدعی شد که این اعتراضات "روال طبیعی ندارد" (اصغر مسعودی نماینده جمهوری اسلامی از نی ریز و استهبان در مصاحبه با ایلنا)

و یا همکار دیگر این نماینده، یعنی بهرام پارسایی نژاد، نماینده رژیم از شیراز در مجلس، ضمن اعتراف به این که "تقسیمات کشوری"، "عامل اصلی" ناآرامی های کارزون نیست آن را از زمره "همان اعتراضاتی" خواند که "به طور کلی در بخش های دیگر جامعه" وجود داشته و نشان اعتراض مردم "نسبت به وضعیت معیشتی و اقتصادی و همچنین اوضاع اشتغال" شان می باشد و "اعتراض" به طرح تقسیمات "بهانه" ای بیش نیست.

انرژی و پتانسیل عظیم انقلابی که مردم کارزون یعنی کارگران، زحمتکشان و سایر توده های دربند این شهر در رویدادهای اخیر از خود به نمایش گذاردند پیش از هر چیز نمایانگر این واقعیت است که ۴۰ سال حاکمیت ظلم و استبداد جمهوری اسلامی از جامعه تحت سلطه ما یک انبار باروت ساخته است. در چنین شرایطی هر گونه ورود توده مردم به هر پهانه ای به صحنه

نقطه اوج اعتراضاتی ست که چند ماه است بر بستر طرح تقسیمات کشوری از این نقطه بسیار محروم کشور شعله کشیده و در مراحل آغازین خود به دلیل اختلاف منافع بین دست اندرکاران غارتگر رژیم نظیر امام جمعه و نماینده مزدور این شهر تا حدی فضای تنفسی پیدا کرد. اما با تعمیق اعتراضات، توده های به جان آمده به تدریج کنترل حرکات را خود به دست گرفتند. با احساس خطر و روشن شدن این حقیقت که در ورای اعتراض به طرح جدید تقسیمات کشوری، این توده به پا خاسته است که بی توجه به خواست "نماینده" و "امام جمعه" خنجرهای انتقام ۴۰ ساله خود علیه ظلم و ستم کل حکومتیان را صیقل می دهد، صفوف اعتراضات در عمل از تمام مرتجعین و عناصر وابسته به آنان پالایش یافت و یورش قهر آمیز و قهرمانانه جوانان و مردم در ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ماه به هر آنچه که نماد دیکتاتوری حاکم بود ترس و وحشت تمام مرتجعین را برانگیخت و باعث شد که وزارت کشور با دستپاچگی از "توقف" طرح حکومت برای تقسیم شهر خبر دهد. با این حال از آنجا که در واقعیت امر مسأله مردم صرفاً اعتراض به تقسیم شهر نبود، جنبش همچنان ادامه یافت.

تصاویر و گزارشات منتشره از این قیام توده ای نشان دهنده عزم مردمی ست که با وجود آن که جمهوری اسلامی در طول چهل سال اخیر تسمه از گرده آنان کشیده و کمرشان را زیر بار فقر و گرانی و بیکاری و گرسنگی و زباله گردی و کارتن خوابی و سرکوب وحشیانه هر صدای حق طلبی خم کرده، اما با روحیه والای مبارزاتی او را دوباره به مصاف مرگ و زندگی فرا می خواند؛ و فریاد "وای بروزی که مسلح شویم" و "دشمن ما همین جاست، الکی می گن آمریکاست" (قسمت دوم این شعار چه بسا که مورد سوء استفاده مرتجعین قرار گیرد، اما آنچه مسلم است منظور توده ها نه تأیید آمریکا بلکه اعلام ضدیتشان با سیاستهای تبلیغاتی فربیکارانه رژیمی است که عملاً رودروی آنان ایستاده و زندگی را به جهنمی برای آنان تبدیل کرده است) سر می دهند، خودروهای نظامی وحوش سرکوبگر آن را به آتش می کشند، کیوسک های پلیس ضد خلعی و نهادهای امنیتی را در شعله های آتش خشم خود می سوزانند و نیروهای سرکوب را که در رویارویی با مردم در برخی نقاط از کار افتاده اند با لهله و فریاد به مصاف فرا می خوانند.

فراموش نباید کرد که درست مدت کوتاهی پیش از قیام کارزون امام جمعه پلید کارزون در خطبه های نماز جمعه عربده کشیده بود که "دیگر هیچ تجمعی نباید در کارزون شکل بگیرد، چراکه مسئولان قول پیکری دغدغه ها را داده و بحث تشکیل شهرستان جدید هم متوقف شده است." برغم این درخواست اما مردم



تداوم کشتار خلق فلسطین بدست رژیم

صهیونیستی اسرائیل

روز دوشنبه ۱۴ ماه مه ۲۰۱۸، برابر با ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۷، روز خونین دیگری در تاریخ مقاومت خلق فلسطین رقم خورد. در این روز رژیم صهیونیستی اشغالگر اسرائیل یک بار دیگر جنایت آفرید و با حمله وحشیانه به توده های رزمنده و مقاوم فلسطین، بیش از ۶۰ تن از آنان را در خون غلطاند و تعداد زیادی را مجروح نمود. این کشتار در تداوم سرکوبهای این دولت برای مقابله با توده های مقاوم فلسطینی صورت گرفت که دست به برپائی "روز زمین" (یوم الارض) و "رژه بازگشت" زده اند.

مردم مقاوم فلسطین، دور جدیدی از اعتراضات خود علیه اشغال سرزمینشان را از تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۱۸ که مصادف با سالگرد "روز زمین" (یوم الارض) می باشد تحت عنوان "رژه بازگشت" شروع کرده اند. توده های مبارز فلسطینی در پشت سیم های خار دار که مناطق فلسطینی ها و از جمله شهر غزه را از مناطق تحت اشغال اسرائیل جدا می کند، دست به تظاهرات زده اند.

رژیم اسرائیل به مثابه سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا در منطقه خاورمیانه، رژیمی ست که در چهارچوب سیاستهای استعماری، با اخراج فلسطینی ها از سرزمینشان و سرکوب و کشتار آنها شکل گرفته و در طول ۷۰ سال گذشته روزی نبوده که ارتش سرکوبگر اسرائیل تعدادی از مردم فلسطینی را با گلوله نکشته و مجروح نکرده باشد.

امسال نیز دولت اسرائیل، هفتاد سالگی تولد خونین خود را با سر کشیدن خون توده های رنجیده فلسطین جشن می گیرد - و البته همراه با اربابانش در روز افتتاح سفارت امپریالیسم آمریکا در اورشلیم (بیت المقدس)، اتفاقاً در شرایطی که نیروهای آزادیخواه در سراسر جهان با خشمی سوزان از اینهمه جنایات در حق مردم مبارز فلسطین، سرکوبگری های ددمنشانه دولت اسرائیل را محکوم می کنند، نماینده آمریکائی ها در سازمان ملل نیکی هیلی در رابطه با کشتار های اخیر، "از خویشتن داری اسرائیل" قدردانی کرد. آخر برای وی کشته شدن ۶۰ فلسطینی رقم قابل ملاحظه ای نیست!! در مورد این جشن خونین، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر جنایتکار اسرائیل نیز با وقاحت تمام ضمن قدردانی از آمریکا گفت: "ما این هفته این سعادت را داریم که شاهد یک رویداد تاریخی باشیم. این تصمیم از سوی بزرگترین قدرت جهان، دوستان ایالات متحده اتخاذ شده است. پرزیدنت ترامپ قول داده بود اورشلیم را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت بشناسد و به قولش عمل کرد. به این مناسبت فردا یک جشن واقعی خواهیم داشت."

واقعیت این است که خلق مقاوم و رزمنده فلسطین نه فقط در جریان تظاهرات اخیر خود علیه اشغال سرزمین شان، بلکه همواره با خون مبارزین خود پایداریش را در مقابل رژیم صهیونیست اسرائیل و حامی و هادی آن، امپریالیسم آمریکا به نمایش گذاشته و به این ترتیب راه مبارزه تا نیل به پیروزی را هموار کرده است. به راستی چه عاملی جز مبارزه و مقاومت پر شکوه یک خلق بپاخاسته می توانست این چنین جنایتکاران را رسوا و دستان خونینشان را در مقابل چشم همگان قرار دهد. چه چیزی جز روحیه والای رزمندگی و عزم این خلق دلاور برای رسیدن به آزادی و دست یابی به حق تعیین سرنوشت خویش می توانست به همگان نشان دهد که مساله خلق فلسطین به رغم همه فراز و نشیب هایی که داشته و به رغم رهبری های غیر انقلابی همچنان مساله روز می باشد؛ نشان دهد که خلق فلسطین تنها زمانی قادر به تحقق خواستهای برحق و عادلانه خود می باشد که یک رهبری کمونیستی بر مبارزات این خلق حاکم باشد و خلق تحت ستم فلسطین به واقع باید برای ایجاد یک چنین رهبری انقلابی گام بردارد.

امپریالیستها به طور کلی و امپریالیسم آمریکا به طور مشخص دشمن اصلی خلقهای منطقه و از جمله خلق دلاور فلسطین می باشند. مردم مبارز ایران باید با درک این واقعیت علیرغم همه تبلیغات نژاد پرستانه و به خصوص عرب ستیزانه روشنفکران (تاریک اندیشان)، و خود رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که به نام خلق فلسطین در واقع در جهت تقویت امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه تلاش می کند، از هم زنجیران خود (مردم رنجیده ولی دلاور و مقاوم فلسطین)، در گوشه دیگر از خاورمیانه در مقابل دشمن مشترک حمایت کنند.

پیروز باد انقلاب خلق فلسطین
نابود باد امپریالیسم و صهیونیسم
نگ و نفرت بر دولت اشغالگر اسرائیل

چریکهای فدائی خلق ایران
۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۷ - ۱۶ ماه مه ۲۰۱۸

مزدوران حکومت سپر می کنند و چنان شعارهای رادیکالی را سر می دهند؟ آیا مساله تقسیم و عدم تقسیم کارزون است که چنان پتانسیل عظیم مبارزاتی را در توده ای که به حرکت درآمده موجب می گردد؟ و یا منشاء چنین پتانسیلی خواست طبقاتی توده ها برای نابودی "دشمن" شان و از بین بردن عامل اصلی تمامی نابرابری ها و ظلم و سرکوب های ۴۰ سال گذشته می باشد که طرح تقسیم کارزون تنها یکی از کم اهمیت ترین آنهاست؟

اکنون مدتهاست که کارگران و زحمتکشان، توده های محروم و بی چیز، جوانان و بیکاران، زنان تحت ستم و خلاصه تمامی طبقات و اقشاری که تیغ دیکتاتوری حاکم هر روز زندگی و حیات آنها را زیر ضرب خود گرفته با عبور از جنبه تمام جناح های حاکمیت، در پی نابودی کلیت این رژیم وابسته و فاسد و سرکوبگر هستند. آنها این واقعیت را به طور روزمره در اعتصاب های دائمی کارگران، تداوم جنبش هزاران نفر از مالیاتخگان در شهرهای مختلف، قیام دهقانان، مبارزات زنان برای حق آزادی پوشش و نابودی قوانین ضد زن و شورشها و اعتراضات متعدد زحمتکشان به نمایش می گذارند.

تظاهرات و جنگ دلاورانه مردم کارزون پژواک نبض بلند قیام اردوی کار و زحمت است که در دی ماه سال ۱۳۹۶ بار دیگر از میان خاکستر جنبش های قبلی بر کشید. این خیزش، تداوم خواست توده های تحت ستم بی شماری ست که برای نابودی نظام استثمارگرانه موجود و تمام نیروهای حافظ آن به پا خاسته اند. این جنبش برغم تمام افت و خیزهای مبارزاتی تا کنونی اش به خاطر روحیه تسلیم ناپذیری و مقاومت مردمی حاکم بر آن، توانسته لرزه بر تن دولتمردان استثمارگر حاکم انداخته و پرچم تحقق نظام دمکراتیکی که خواست "نان، کار و آزادی" در آن تضمین شده باشد را همچنان برافراشته نگاه دارد.

وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و انسانهای آزادیخواه است که با تمام قوا از این جنبشها و اهداف برحق آن در هر کجا که هستند به دفاع بر خیزند.

درس های قیام دیماه! (قسمت اول)

اشرف دهقانی



پیش در آمد: آنچه از نظر خوانندگان می گذرد ، مطالبی در رابطه با قیام دیماه ۱۳۹۶ و رویدادهای قبل و بعد از آن می باشند که به صورت یادداشت هائی (در مجموع بیست یادداشت) تنظیم شده اند. از زمان نوشته شدن یادداشت اول تا اکنون که مجموعه این یادداشت ها منتشر می شوند ، حوادث مبارزاتی مختلفی در جامعه ایران پیش آمده و سریع گذشته اند. این حوادث در کنار تظاهرات و قیام های پر شور و شکوهمند دیماه حاوی تجارب انقلابی ارزشمندی می باشند که مسلماً در خیزش ها و نقش آفرینی های بعدی توده های تحت ستم و انقلابی ما به کار آنها خواهند آمد. به امید آن که مجموعه این یادداشت ها به کارگران و نیروهای جوان و انقلابی ایران باری کند تا در راه پیشبرد راه ظفرنمون انقلاب توده ها ، نقش هر چه آگاهانه تری ایفاء نمایند. علاقه مندان می توانند برای مطالعه تمام این یادداشتها از آدرس زیر در سایت سپاهکل دیدن کنند:

<http://siahkai.com/publication/Dar-shaye-Ghyame-Dey-Maah.pdf>

علیه رژیم جمهوری اسلامی و با خواست سرنگونی آن پا به میدان مبارزه گذاشتند.

برای شناخت صف مقابل صف خلق یعنی صف ضد انقلاب در اینجا باید به این واقعیت توجه کنیم که جامعه ایران از زمانی که امپریالیستهای انگلیس حاکمیت خود را از طریق به قدرت رساندن رضا خان (فلدر) بر مردم ایران اعمال کردند، به یک جامعه نومستعمره تبدیل گشته است. جامعه نومستعمره جامعه ای است که تحت سلطه امپریالیسم قرار دارد ولی در ظاهر یک حکومت بومی بر آن حکم می راند و در نتیجه تناقض شکل و محتوا خصیصه آن می باشد. امروز در جامعه نومستعمره ایران، جمهوری اسلامی به نیابت از امپریالیستها و اساساً به منظور تأمین منافع آنان، بر مردم ما حکومت می کند و نیروهای مسلح ضد خلقی موجود از ارتش گرفته تا دست پروردگان آن، یعنی سپاه پاسداران و دیگر ضمائم این ارتش، در نهایت برای حفظ سلطه امپریالیستها و سرمایه داران داخلی وابسته به آنها در ایران به هر جنابیتی علیه توده های مردم ما دست می زنند. به طور کلی دشمنان توده های انقلابی ایران به لحاظ طبقاتی عبارت اند از امپریالیستها (سرمایه داران خارجی) و سرمایه داران ایرانی وابسته - که منافع و موجودیت شان به سلطه حاکمیت امپریالیستی و بقای سیستم سرمایه داری وابسته در ایران گره خورده است. انقلاب مردم محروم و ستمدیده ما تنها با قطع قطعی سلطه امپریالیستها از

نیروی انسانی آنها را به هرز می برد، جوانانی که با فقر و فلاکت دست و پنجه نرم می کنند؛ اینها همه به اردوی کار تعلق دارند. همچنین باید از حضور قشر وسیع زحمتکش که در اثر استثمار و ظلم بی حد سرمایه داران دچار فقر و گرسنگی گشته و از بسیاری از نعمات زندگی محرومند، در این جنبش یاد کرد. بخش دیگر از شرکت کنندگان در جنبش دیماه را توده های تحت ستمی چون معلم ها، پرستاران، کارمندان جزء همراه با گروه های اجتماعی دیگر از مغازه داران گرفته تا قشرهائی از طبقه متوسط در ادارات، در مدرسه، در دانشگاه و غیره تشکیل می دادند که در همه جا از فشارهای اقتصادی و از شرایط دیکتاتوری و اختناق، شدیداً در رنج اند و از سرکوبهای مدام رژیم حاکم، آسیب های جدی می بینند. در کنار این بخش از جامعه، دیگر توده های ستمدیده ایران (بخش های متوسط و نسبتاً مرفه خرده بورژوازی) قرار داشتند که آنها نیز از انواع ظلم و ستمی که در طی چهل سال اخیر متحمل شده اند خنوشان به جوش آمده است. در آستانه جنبش اخیر همه اینها به خصوص با هرچه بیشتر مطلع شدن از دزدیهای حکومتی و به هم ریختگی و فساد درونی حکومت کاسه صبرشان لبریز شده بود. در کنار اردوی کار، این قشرهای تحت ستم قرار داشتند که همگی با هم جنبش توده ای گسترده و عظیم اخیر را شکل دادند. بنابراین به طور خلاصه باید گفت که جنبش انقلابی دیماه را کارگران، ارتش ذخیره کار، تهیدستان و اقشار مختلف خرده بورژوازی به خصوص قشر پائین آن به وجود آوردند. اینها را توده های انقلابی ایران می نامیم که صف خلق را در جامعه ما تشکیل می دهند و همگی

یادداشت های اول تا پنجم

یادداشت اول: زمینه های مادی خیزش دی ماه چه بود و چه طبقات و اقشاری در آن نقش داشتند؟

بر کسی پوشیده نیست که آنچه که توده های ستمدیده ایران را در فاصله کوتاهی در دی ماه ۱۳۹۶ در چندین شهر بزرگ و کوچک به خیابانها کشاند و به تظاهرات توده ای بزرگی شکل داد که به حدود صد و چهل شهر و روستا گسترش پیدا کرد، و آنچه باعث شد که اعتراضات اولیه در اکثر نقاط خیلی زود به مبارزات قهر آمیز بین توده ها و نیروهای مسلح حافظ رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شود، شرایط اقتصادی بسیار وخیم این توده ها و در همان حال وجود شرایط دیکتاتوری شدید و سرکوبهای وحشیانه رژیم حاکم بود.

این جنبش در اساس و در درجه اول جنبش گرسنگان و تهیدستان بود، جنبش اردوی کار که به همان صورتی که در شعارهایشان هم مطرح کردند، جز زنجیرهای دست و پایشان چیزی برای از دست دادن ندارند؛ آنهایی که فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، کارد به استخوانشان رسانده، آنهایی که از شرایط دیکتاتوری حاکم بیش از هر طبقه و قشری در جامعه در رنج اند. اردوی کار را به صف کارگران شاغل و همچنین کارگران اخراجی و بیکار و به طور کلی به مجموعه کارگران شاغل و ارتش ذخیره کار که انبوه جوانان بیکار در جامعه را نیز شامل می شود، اطلاق می کنیم. امروز در سطحی گسترده با جوانانی روبرو هستیم که به دلیل تعطیلی کارخانجات و مؤسسات تولیدی از امکان کار محروم گشته و جامعه سرمایه داری، انرژی و استعداد و کلیت

ایران و نابودی سیستم سرمایه داری حاکم می تواند به موفقیت دست یابد. در نتیجه مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی اولین قدم برای رسیدن به این هدف می باشد.

یادداشت دوم : در شناخت نظام اقتصادی حاکم بر ایران و صف انقلاب و ضد انقلاب!

این واقعیتی انکار ناپذیر است که توده های تحت ستم ایران - مرکب از کارگران و خرده بورژوازی شهر و روستا - به خصوص در سالهای اخیر در شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیار دشوار و وحشتناکی به سر برده اند. این شرایط را اساساً قرار داشتن جامعه ایران تحت سلطه امپریالیستها و وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیسم برای توده های ما رقم زده است. در دوره رژیم شاه ظاهراً کسی منکر وجود مناسبات سرمایه داری وابسته در ایران نبود. اما با روی کار آمدن خمینی و ضد امپریالیست نامیدن او، تبلیغات ارتجاعی (البته با کمک جریانات اپورتونیست) اینطور وانمود کردند که گویی مناسبات سرمایه داری وابسته هم با روی کار آمدن خمینی و رژیم جمهوری اسلامی اش از ایران رخت بر بست. اما واقعیت این است که چنین مناسباتی در ایران، پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی نه تنها از بین نرفت بلکه همچنان حفظ و به درجانی بسیار فراتر از گذشته توسعه و تداوم یافت. اساساً جمهوری اسلامی برای حفظ مناسبات سیستم سرمایه داری وابسته در ایران، از طرف امپریالیستها در کنفرانس گوادولوپ بر سر کار آورده شد؛ چرا که درست، بر زمینه پا برجا ماندن این مناسبات ارتجاعی در ایران، امپریالیستها امکان می یافتند تا کماکان به غارت منابع طبیعی ایران و بستن قرار دادهای ظالمانه با رژیم حاکم به ضرر مردم ما ادامه دهند. در این میان، بورژوازی وابسته که پس از "انقلاب سفید" شاه در سال ۱۳۴۱ با حاکم شدن سیستم سرمایه داری وابسته در ایران به صورت طبقه حاکم در آمد، در دوره جمهوری اسلامی در سایه خدماتش به انحصارات امپریالیستی در حوزه های مختلف، به مراتب بیشتر از دوره شاه به سرمایه های کلان دست یافته است.

واقعیت این است که اقتصاد جوامع تحت سلطه ای نظیر ایران به جزئی ارگانیک از سیستم جهانی امپریالیستی تبدیل شده است. اما این واقعیت امروز از طرف ارتجاع و خرده بورژواهای دنباله رو آنها به صورت وارونه مطرح شده و این طور ادعا می شود که در کل دنیا، اقتصاد سرمایه داری جهانی شده و لذا اقتصاد ایران هم اقتصاد مستقلی است که در پیوستگی با دیگر اقتصادهای جهان قرار دارد. آنها با چنین ادعائی وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیسم را انکار نموده و آن را همان اقتصادی جلوه می دهند که در خود کشورهای متروپل چون هلند، انگلستان یا

اگر به تاریخ چگونگی رشد بورژوازی توجه کنیم می بینیم که بورژوازی با ایجاد مستعمرات سعی در نفوذ در همه جای کره خاکی نمود و از همان زمان به قول مارکس و انگلس در مانیفست کمونیست، "از طریق بهره کشی از بازار جهانی به تولید و مصرف همه کشورها جنبه جهان وطنی داد". در توصیف این امر، در مانیفست با اشاره به رشته های نوینی در صنایع گفته می شود: "... رشته هایی که مواد خامش دیگر در درون کشور نیست، بلکه از دورترین مناطق کره زمین فراهم می شود، رشته هایی که محصول کارخانه هایش نه تنها در کشور معین، بلکه در همه دنیا به مصرف می رسد". به واقع اقتصاد سرمایه داری از دیر باز "در جریان رشد خود به سیستم جهانی ستمگری مستعمراتی مبتنی کشورهای "پیشرو" بر اکثریت عظیمی از سکنه روی زمین و اختناق مالی آنان مبدل گردیده است"

آلمان و کشورهای نظیر آن وجود دارد. در حالی که در واقعیت امر اقتصاد سرمایه داری به تازگی جهانی نشده است که اکنون با عباراتی چون گلوبالیزاسیون (جهانی شدن) از آن یاد می شود.

اگر به تاریخ چگونگی رشد بورژوازی توجه کنیم می بینیم که بورژوازی با ایجاد مستعمرات سعی در نفوذ در همه جای کره خاکی نمود و از همان زمان به قول مارکس و انگلس در مانیفست کمونیست، "از طریق بهره کشی از بازار جهانی به تولید و مصرف همه کشورها جنبه جهان وطنی داد". در توصیف این امر، در مانیفست با اشاره به رشته های نوینی در صنایع گفته می شود: "... رشته هایی که مواد خامش دیگر در درون کشور نیست، بلکه از دورترین مناطق کره زمین فراهم می شود، رشته هایی که محصول کارخانه هایش نه تنها در کشور معین، بلکه در همه دنیا به مصرف می رسد". به واقع اقتصاد سرمایه داری از دیر باز "در جریان رشد خود به سیستم جهانی ستمگری مستعمراتی مبتنی کشورهای "پیشرو" بر اکثریت عظیمی از سکنه روی زمین و اختناق مالی آنان مبدل گردیده است" (لنین، امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری) و "جنبه جهان وطنی" دارد. بنابراین، جهانی شدن سرمایه داری امر جدیدی نیست، هر چند در شرایط کنونی، در عصر امپریالیسم، ما با اشکال و مکانیسم های جدید این جهانی شدن مواجهیم، مکانیسم هایی که نه در ماهیت غارتگری ها و چپاول ثروت های مناطق نفوذ (کشورهای تحت سلطه) بورژوازی تغییری ایجاد کرده و نه ماهیت امپریالیسم را تغییر داده است. ما در جامعه خود شاهدیم که سرمایه داری حاکم بر ایران اگر چه همه مشخصات اصلی سرمایه داری به طور کلی یعنی استثمار نیروی کار و قرار دادن ارزش اضافی در اختیار سرمایه داران را داراست ولی دارای ویژگی وابستگی است که آن را

از سرمایه داری حاکم بر جوامعی نظیر فرانسه و انگلیس و غیره متمایز می کند. نکته اصلی این است که جهت حرکت سرمایه در ایران را منافع و مصالح سرمایه امپریالیستی تعیین می کند. از این رو بورژوازی ایران قادر نیست همچون بورژوازی کشورهای که از آنها نام برده شد (کشورهای متروپل)، خود مستقلاً به اتخاذ این یا آن سیاست دست بزند، بلکه باید مجری سیاست هائی باشد که بورژوازی امپریالیستی برای وی تعیین می نماید. مثال واضح در این مورد جنگهای است که جمهوری اسلامی به مثابه رژیم حافظ منافع بورژوازی در ایران از زمان روی کار آمدن خود به آنها دست زده است. بورژوازی ایران اگر مستقل بود کدام نیاز اقتصادی خاص ممکن بود باعث جنگ طلبی وی گردد؟ در حالی که می بینیم که جمهوری اسلامی به مثابه یک رژیم وابسته به امپریالیسم باید در جنگ هائی که بنا به منافع و مصالح امپریالیسم در خاورمیانه به راه انداخته شده با لاف ها و توجیهات مختلف شرکت کرده و میلیاردها دلار از درآمد نفت و دیگر درآمدهای ایران را به پای آن جنگ ها بریزد.

امروز، درست به دلیل وابستگی سیستم سرمایه داری ایران به سیستم جهانی امپریالیستی، غارتگری در اشکال مختلف و استثمار شدید نیروی کار توسط امپریالیستها (یا به عبارت دیگر سرمایه داران خارجی) در جامعه ما تداوم دارد که سرمایه داران وابسته داخلی نیز سهم خود را از آن می برند. این واقعیت از یک طرف طبقه سرمایه دار وابسته داخلی را قریه تر از پیش ساخته، و از طرف دیگر بر شدت فقر و بدبختی توده های مردم ما افزوده و مصائب آنها را در ابعادی به مراتب وسیع تر از گذشته موجب گشته است. به این نکته هم باید توجه داشت که شدت گیری و گسترش فقر در شرایط کنونی در ایران و همینطور در دیگر کشورهای تحت سلطه امپریالیستها- چه در خاورمیانه و چه در سراسر جهان - دقیقاً به این خاطر است که سیستم سرمایه داری در سطح جهان با بحران لاعلاج بزرگ و عمیقی روبروست (که البته خود جلوه ای از این واقعیت است که دیگر عمر سیستم سرمایه داری در سراسر جهان به سر رسیده است) و در چنین شرایطی امپریالیستها می کوشند چه با برپائی جنگهای ارتجاعی و البته با نیرو و هزینه کشورهای تحت سلطه ای نظیر ایران، و چه از طریق مکانیسم های اقتصادی مختلف، بار بحران های خود را بر دوش کارگران و ستمدیدگان این کشورها سرریز کنند. لذا آنها بر شدت چپاول و غارتگری و استثمار نیروی کار در کشورهای تحت سلطه خود به مراتب افزوده و توده های این کشورها را به روز سیاه نشانده اند.

یادداشت سوم: توضیحی بیشتر در مورد تحت سلطه بودن جامعه ایران و وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیسم

جهت شناخت هر چه بیشتر نظام اقتصادی حاکم بر ایران و برای این که کمی مشخص تر و با ارائه مثال های عینی، صحبت شود بهتر است به نقش دو نهاد معروف امپریالیستی یعنی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که آمریکا دست بالا را در آنها دارد، در تعیین سیاست های دولت های بر سرکار آمده در رژیم جمهوری اسلامی اشاره کنم. یکی از سیاست هایی که این نهادهای امپریالیستی به رژیم های وابسته تحمیل می کنند این است که آنها باید برای رونق دادن به سرمایه و به خصوص سرمایه گذاری های قدرتهای بزرگ امپریالیستی، قانون کار را در کشور خود هر چه بیشتر به نفع سرمایه داران تغییر دهند. بر این اساس بود که از دوره رفسنجانی، به تدریج قراردادهای رسمی کارگران در ایران زیر ضرب قرار گرفتند و به آنجا رسید که عقد قرار دادهای موقت بین کارگر و سرمایه دار به صورت قانون در آمد. در اجرای کامل سیاست امپریالیستی مذکور، هر چه زمان پیش رفت، عقد قراردادهای موقت وسعت بیشتری یافت و در شکل هایی نظیر قراردادهای سفید امضاء که مفهوم جدیدی از برده کردن کارگران و محروم کردن کارگران از بسیاری از حقوق حقه خود بود، عرضه شد. در دوره خاتمی، ابتدا کارگاه های کمتر از پنج نفر و سپس کمتر از ده نفر از شمول قانون کار خارج شدند. اینها و اقدامات دیگر که همگی به نفع سرمایه داران و به ضرر کارگران می باشد، دقیقاً در راستای اجرای سیاست های دیکته شده توسط نهادهای امپریالیستی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، عملی گشته است. یکی دیگر از درخواست های نهادهای امپریالیستی مذکور، عنوان "کوچک کردن دولت" را دارد که معنی آن کاستن از هزینه های دولت در زمینه خدمات عمومی است. خصوصی سازی که نتایج خانه خراب کن و مخرب آن در حوزه های گوناگون زندگی اجتماعی، امروز بر همگان آشکار است در پی اجرای این سیاست توسط رژیم جمهوری اسلامی در ایران برپا شد و گسترش یافت. علاوه بر مؤسسات تولیدی و کارخانجاتی که قبلاً دولتی بودند و امروز به دست بخش خصوصی سپرده شده اند، حتی در حوزه های دیگر نیز بر مبنای این سیاست امپریالیستی عمل شده است. مثلاً کنار گذاشتن بخشی از آموزش و پرورش به نفع بخش خصوصی از طرف جمهوری اسلامی و در نتیجه ایجاد مدارس و دانشگاه های خصوصی، بر اساس سیاست فوق در ایران انجام شده است.

در زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد وی با چنان شدت و گستردگی ای به اجرای اوامر و رهنمودهای صندوق بین المللی پول پرداخت که از طرف این نهاد

یکی از سیاست هایی که نهادهای امپریالیستی به رژیم های وابسته تحمیل می کنند این است که آنها باید برای رونق دادن به سرمایه و به خصوص سرمایه گذاری های قدرتهای امپریالیستی، قانون کار را در کشور خود هر چه بیشتر به نفع سرمایه داران تغییر دهند. بر این اساس از دوره رفسنجانی، به تدریج قراردادهای رسمی کارگران زیر ضرب قرار گرفتند و عقد قرار دادهای موقت بین کارگر و سرمایه دار به صورت قانون در آمد. در اجرای کامل سیاست مذکور، هر چه زمان پیش رفت، عقد قراردادهای موقت وسعت بیشتری یافت و در شکل هایی نظیر قراردادهای سفید امضاء که مفهوم جدیدی از برده کردن کارگران و استثمار هر چه شدیدتر آنها و محروم کردن شان از بسیاری از حقوق حقه خود بود، عرضه شد.

امپریالیستی، رسماً مورد تشویق قرار گرفت. حذف سوبسیدها در زمان احمدی نژاد و جایگزین کردن آن با یارانه آنهم با این تبلیغات دروغین که گویا پول نفت بر سر سفره مردم آورده می شود یکی دیگر از جلوه های پیاده کردن سیاست امپریالیستی مبنی بر خصوصی سازی و "کوچک کردن دولت" در جامعه تحت سلطه ما بود. دیدیم که پیاده کردن آن سیاست چه پیامدهای مرگباری برای توده های تحت ستم ایران در بر داشت و چگونه به چند برابر شدن قیمت کالاها انجامید و چه به روزگار خانواده های کارگری و زحمتکششان آورد، و چگونه گرسنگی و بی خانمانی را در جامعه شدت و گسترش بیشتری بخشید!

اما در مورد نفت که اقتصاد ایران عمده آن بر پایه ارز حاصل از فروش آن می چرخد، واقعیت این است که "پول نفت" در تمام سالهای حکومت جمهوری اسلامی همچون دوره شاه به جای آورده شدن بر سر سفره مردم، از طرق مختلف به گلوئی سیری ناپذیر انحصارات امپریالیستی ریخته می شود. یکی از مکانیسم های این کار، انجام معامله های سودآور برای سرمایه داران خارجی و خرید کالاهای بنجل آنها - کالاهایی که در داخل ایران تولید می شوند و یا می توانند تولید گردند - می باشد که در این مسیر البته بورژوازی وابسته ایران نیز سهم خود را می برد. اما، صرف پول نفت و دیگر ثروت های ایران برای مقاصد امپریالیستی از طرف رژیم جمهوری اسلامی را به طور برجسته می توان در رابطه با اجرای نقشه های جنگی امپریالیستها در منطقه توسط رژیم داعشی جمهوری اسلامی مشاهده نمود که از جنایت بارتترین و کثیف ترین جلوه های حاکمیت امپریالیستی در ایران نیز می باشد. به عهده گرفتن چنین نقشی از طرف جمهوری اسلامی علاوه بر همه تبعات

جنایتکارانه اش برای خلقهای محروم خاورمیانه باعث آن گشته که بودجه کشور به جای صرف پروژه های عمرانی و آموزش و بهداشت عمومی، صرف امورات نظامی در خدمت به پیشبرد سیاست های جنگی امپریالیستها در منطقه شود.

موضوع جالب توجه آن است که سرمداران رژیم نه تنها صرف ثروت های جامعه ایران برای جنگهایی که در آن درگیرند را انکار نمی کنند، بلکه گویی که درگیری در آن جنگها جز تشدید فقر و فلاکت نتیجه ای هم برای مردم ایران دارد. همانطور که در نطق های روحانی در رابطه با جنگ در عراق عیان است با افتخار هم مطرح می کنند که علاوه بر تأمین نیروی انسانی برای آن جنگها، در همان رابطه ثروت های متعلق به مردم ایران را صرف تهیه سلاح و دیگر تجهیزات جنگی هم می کنند. البته می دانیم که تهیه خورد و خوراک و پوشاک نیروهای بسیج شده برای آن جنگهای مورد نیاز امپریالیستها هم در کنار دیگر وسایل و ملزومات، به عهده جمهوری اسلامی قرار دارد. در این زمینه برای نمونه می توان به ساختن مدرسه یا بیمارستان از طرف این رژیم وابسته به امپریالیسم در برخی جاها و از جمله به ساختن "پیشرفته ترین بیمارستان عراق" که اخیراً افتتاح شد، اشاره کرد.

این واقعیت ها و واقعیت های دیگری چون نابود کردن کشاورزی ایران از طریق واردات انبوه از کشورهای امپریالیستی، در راستای سیاست آن کشورها جهت فروش محصولات خود در بازار کشورهای تحت سلطه ای نظیر ایران، همگی جلوه هایی از تحت سلطه امپریالیستها بودن جامعه ایران است که نتایج دهشتناکی برای زندگی مردم ایران داشته و فقر و فلاکت و بی خانمانی را برای آنان به ارمغان آورده است. پدیده های دردناکی چون از هم پاشیده شدن خانواده های کارگری، گسترش کودکان کار و برای زنده ماندن، فروش کلیه و دیگر اعضای بدن و حتی قرنیه چشم، فروش نوزاد و کودک کم سن و سال، و پدیده هایی چون کارتن خوابی، گورخوابی، کانال خوابی و یا حتی خواب در درز لای یک دیوار و از این قبیل، زباله گردی، رواج دزدی و تن فروشی و... همه ماحصل چپاول و غارتگری های امپریالیستی به کمک بورژوازی وابسته در ایران، همچنین استثمار شدید نیروی کار توسط سرمایه داران خارجی و داخلی وابسته، و پیاده کردن سیاست های آنچنانی امپریالیستی در جامعه ایران می باشند. اگر در دوره شاه مردم تهدیدست برای این که بتوانند ابتدائی ترین نیاز های زندگی شان را تأمین کنند به خون فروشی روی می آوردند، اکنون علاوه بر آن، همانطور که اشاره شد فروش اعضای بدن نیز به صورت امری رایج در آمده. مارکس، آموزگار کبیر پرولتاریا در توصیف سیستم بی رحم سرمایه داری که در آن همه چیز به صورت کالا در می آید در قرن نوزده پیش

بینی کرده بود که چه بسا با رشد سرمایه داری، اعضای بدن هم به صورت کالا در آیند که امروز با گسترش سیستم سرمایه داری در ایران که از ویژگی وابستگی نیز برخوردار است، شاهد چنین امری می باشیم.

از وقوف به شرایط حاکم بر جامعه ایران، این نتیجه حاصل می شود که اگر واقعیت این است که امپریالیستها و سرمایه داران وابسته به آنها دشمن اصلی خلقهای ایران هستند، پس حل مسأله انقلاب منوط به پایان دادن به حاکمیت آنها و نابودی سیستم سرمایه داری وابسته در ایران می باشد. بنابراین مبارزه تا زمانی که جامعه ایران از قید سلطه امپریالیسم آزاد نشده، تداوم خواهد یافت و پیروزی زمانی نصیب خلقهای مبارز ایران خواهد شد که توده های ما با رهبری طبقه کارگر به حاکمیت امپریالیستی در ایران پایان داده و به ساختن سیستم نوینی به جای سیستم سرمایه داری وابسته کنونی بپردازند.

یادداشت چهارم: قیام دی ماه با جنبش های قبلی چه تفاوت هایی داشت؟

ما پیش از این، در سال ۱۳۸۸ هم با جنبش بزرگ توده ای مواجه شدیم که به مدت نزدیک به یک سال تداوم داشت. جنبش ۸۸ را باید پیش درآمد جنبش انقلابی ای دانست که در دیماه ۱۳۹۶ با برجستگی در مقابل چشم همگان بروز نمود.

جنبش ۸۸ در آغاز شکل اعتراض به تقلب در رأی گیری داشت و در ابتدا عمدتاً قشرهایی از خرده بورژوازی متوسط و نیمه مرفه که "اصلاحات" مورد نظر موسوی را باور کرده و فریفته آن شده بودند، آن را نمایندگی کرده و آغازگر این جنبش شدند. ولی خیلی زود، توده های انقلابی - از توده های کارگر، از کار اخراج شده ها و بیکاران گرفته تا زحمتکشان، زنان و مردان مبارز و روشنفکر و همه رنج دیدگان و ستمدیدگان - از تضاد حاد بین جناح های حکومتی استفاده کرده و وارد صحنه مبارزه شدند. با ورود این توده های انقلابی، وضع کیفی جدیدی به وجود آمد و جنبشی که با شعار "رأی من کو؟" شروع شده بود، شکل رادیکال و کیفیت انقلابی پیدا کرد. در این جنبش در ابتدا مستقیماً شعار مرگ بر جمهوری اسلامی طنین افکند و شعارهای رادیکال دیگری چون "ما، زن و مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم" هم سر داده شدند. البته بعدها از رسانه ها (رسانه های متعلق به ضد انقلاب که از قدرت پخش و انتشار وسیعی برخوردارند) که به صورت انتخابی وقایع و شعارها و نظرات مردم را منعکس می کردند، بیشتر شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر اصل ولایت فقیه شنیده شد. مثلاً آنها از همه شعارها و صحنه های میدان آزادی در روزی که نیروهای مسلح رژیم، مردم را مورد اصابت گلوله

تفاوت بزرگ جنبش دیماه ۹۶ با جنبش ۸۸ و دیگر جنبش های کوچک و بزرگ تا آن زمان، در این است که نیروی محرکه آن، اردوی کار بود. اردوئی مرکب از کارگران شاغل، اخراج شده ها از کار و جوانان بیکار. اینها و تهیدستان و آنهایی که به جز زنجیرهای دست و پایشان چیزی برای از دست دادن ندارند، همه اینها بودند که جنبش دیماه را آغاز کردند. این توده انقلابی مشخصاً به قصد انقلاب و دگرگونی بنیادی نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم که عامل ادبار آنهاست به میدان آمدند و به همین خاطر هم این ستمدیدگان بی واسطه و مستقیماً با اعلان جنگ به رژیم جمهوری اسلامی وارد صحنه نبرد با او شدند. در جنبش دیماه از همان ابتدا شعار مرگ بر جمهوری اسلامی در وسعتی گسترده در فضا طنین انداخت.

های کینه توزانه خود قرار دادند، تنها گوشه ای از میدان که در آن جمعیتی از زنان فی البداهه شعار "نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم" سر دادند را منعکس نمودند. یا از بی بی سی شنیدیم که علناً اعلام می کرد که از ویدئو هایی که به دستش رسیده، صحنه های "خشونت آمیز" را حذف کرده و منتشر نمی کند - که منظورش فقط صحنه های تعرض توده ها به نیروهای سرکوب بود و البته نه صحنه های جنایتکارانه یورش رژیمیان به مردم. با این حال این امر غیر قابل کتمان بود که در جریان جنبش ۸۸، توده های پر خشم و کین نسبت به رژیم جمهوری اسلامی نه فقط بنرهای مربوط به خمینی و خامنه ای و دیگر سران رژیم را از در و دیوار کنده و آنها را آتش زدند بلکه با چپه کردن ماشین های پلیس، آتش زدن موتورهای بسیجی ها و درگیری های شدیداً قهر آمیز با نیروهای سرکوب (به خصوص در ششم دیماه که مصادف با مراسم عاشورای حکومتی بود)، عجز نیروهای دشمن را در مقابل قدرت خودشان نشان دادند.

به طور کلی، می دانیم که رسانه های امپریالیستی و رسانه های خود جمهوری اسلامی در ارائه تصویری غیر واقعی از جنبش ۸۸ به هر تلاشی دست زدند. از حمله آنها تماماً سعی کردند جنبش انقلابی توده ها را به میرحسین موسوی، کاندید مغلوب ریاست جمهوری که پرچم سبز را نشانه انتخاباتی خودش قرار داده بود، بچسبانند و آن را جنبش سبز خواندند، و البته هنوز هم به همین اسم از آن جنبش مردمی یاد می کنند. اما در هر حال این واقعیتی است که جنبش ۸۸ بی واسطه شکل نگرفت و توده های انقلابی با توجه به شرایط اختناق و دیکتاتوری، موقعی فرصت یافتند که به صحنه مبارزه وارد شوند که اصلاح طلبان و فریب خوردگان دنباله رو آنها در اعتراض به

تقلب در رأی، در خیابان بودند. پیش از جنبش ۸۸ نیز ما در جنبش بزرگی که در سال ۸۵ در آذربایجان شکل گرفت، دیدیم که توده های ستمدیده در شرایط خاصی پس از نشر کاریکاتور توهین آمیز علیه مردم ترک زبان در یکی از رسانه های رژیم، به بهانه دفاع از حقوق ملی وارد میدان مبارزه شدند. اگر به گذشته ها هم رجوع کنیم می بینیم همین واقعیت وجود داشت و در جنبش های کوچک و بزرگ دیگر هم که در طول عمر جمهوری اسلامی در اقصی نقاط ایران به وجود می آمد، مردم موضوعی را بهانه می کردند و دست به قیام و شورش می زدند. در ضمن، اینهم طبیعی است که به همان صورت که نیروهای انقلابی می کوشند بر جنبش های توده ای تأثیر بگذارند، ارتجاع نیز در هر جنبش توده ای وارد شده و می کوشد آن را به سمت شعارها و اهداف خود سوق دهد. لذا از حضور ارتجاع و شعارهای آن در یک جنبش توده ای نمی توان و نباید فوراً حکم بر غیر مردمی و یا ارتجاعی بودن آن جنبش داد - موضوعی که دشمن همواره کوشیده است این طور جلوه دهد و متأسفانه چنین برخوردی معمولاً از طرف نیروهای اپورتونیست هم رله می شود.

اما، تفاوت بزرگ جنبش دیماه ۹۶ با جنبش ۸۸ و دیگر جنبش های کوچک و بزرگ تا آن زمان، در این است که نیروی محرکه آن، اردوی کار بود. اردوئی مرکب از کارگران شاغل، اخراج شده ها از کار و جوانان بیکار. اینها و تهیدستان و آنهایی که به جز زنجیرهای دست و پایشان چیزی برای از دست دادن ندارند، همه اینها بودند که جنبش دیماه را آغاز کردند. این توده انقلابی مشخصاً به قصد انقلاب و دگرگونی بنیادی نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم که عامل ادبار آنهاست به میدان آمدند و به همین خاطر هم این ستمدیدگان بی واسطه و مستقیماً با اعلان جنگ به رژیم جمهوری اسلامی وارد صحنه نبرد با او شدند. در جنبش دیماه از همان ابتدا شعار مرگ بر جمهوری اسلامی در وسعتی گسترده در فضا طنین انداخت، از همان ابتدا صحنه تظاهرات به صحنه درگیری قهر آمیز توده ها با مزدوران وحشی جمهوری اسلامی تبدیل شد. اما، اگر آغازگر جنبش، بی چیزان بودند ولی از همه افشار جامعه به آنها پیوستند. به همین خاطر هم در این جنبش تنوع شعارها و تنوع حرکت های مبارزاتی که مبین خواست و تفکر نیروهای شرکت کننده بود را شاهد بودیم. واقعیت این است که در یک تظاهرات توده ای، طبقات و افشار مختلف شرکت دارند و حتی مرتجعین نیز سعی می کنند خود را در آن جای دهند و به همین خاطر است که در یک جنبش توده ای شعارها و حرکت های گوناگونی را می توان مشاهده نمود.

یادداشت پنجم: خود ویژگی جنبش دیمه را چگونه باید دید؟

همانطور که اشاره شد، جنبش دیمه یک راست با خواست سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و با شعار مرگ بر این رژیم شروع شد که البته با گسترش جنبش، شعارهای دیگری هم مطرح شدند. لازم است برخی از این شعارها را بررسی کنیم. علاوه بر شعار مستقیم مرگ بر جمهوری اسلامی، از شعارهایی که به طور گسترده و به وفور مطرح شدند شعارهایی بودند که رأس دیکتاتوری حاکم را نشانه کرده بودند، چون "مرگ بر ولایت فقیه"، "مرگ بر خامنه ای" و یا "مرگ بر دیکتاتور". در کنار اینها، شعار "مرگ بر این دولت مردم فرب" و "مرگ بر روحانی" نیز داده شد. شعارهای آگاهی بخش دیگری چون "اصولگرا، اصلاح طلب، دیکه تمام شد ماجر" نیز فریاد زده شد. این شعار مشخص خط بطلان بر ادعای رژیم که گویا مردم طرفدار این یا آن جناح حکومتی هستند، کشید و بیانگر آن بود که هیچ یک از جناح های حکومتی دیگر نمی توانند ادعای داشتن پایگاه در میان مردم را بکنند. مفهوم دیگر شعار فوق همانا "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود گردد" می باشد. البته در تداوم جنبش به طور مشخص این شعار هم داده شد: "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" (این شعار در ماه بهمن در تظاهراتی در تهران در خیابان ولی عصر داده شد).

همه این شعارها به طور علنی بر همگان آشکار ساختند که توده های مردم، رژیم جمهوری اسلامی را کاملاً نفی کرده، در مقابل آن ایستاده و دیگر حاضر نیستند به زندگی زیر حکومت جمهوری اسلامی تن بدهند. طرح شعار "اسلامو پله کردید، مردمو ذله کردید" که پیش از جنبش دیمه نیز فریاد زده شده بود و در دیمه نیز به طور هر چه گسترده تر سر داده شد، بیانگر سطح آگاهی بالای توده های ماست و نشان می دهد که آنها بر خلاف روشنفکرانی که فریفته تبلیغات امپریالیستی بوده و نا آگاهانه نوک اصلی مبارزه خود را به جای نظام حاکم، روی صرف اسلام قرار می دهند (بگذریم از کسانی که کاملاً آگاهانه در پیروی از خط تبلیغات امپریالیستی عمل می کنند)، در تجربه زندگی خود کاملاً به این حقیقت پی برده اند که اسلام در دست حاکمین وقت وسیله ای برای تسهیل استثمار توده هاست. آگاهی ای که توده های دربند ایران با چنین شعاری مطرح کردند، این آموزش را به برخی روشنفکران می دهد که هنوز نمی دانند که جمهوری اسلامی سرمایه داران را تأمین کند. این قبیل روشنفکران باید به این حقیقت پی ببرند

شعار ایجابی بر محتوای نان، کار و آزادی، نشانگر خواست اصلی این جنبش بود و نشان داد که این جنبش مهر طبقاتی کارگران و زحمتکشان جامعه را روی خود دارد. نشان داد که اردوی کار به همراه پشتیبانانش در میان دیگر گروه های اجتماعی، از خواست سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، در واقع دگرگونی بنیادی کل سیستم اقتصادی - اجتماعی حاکم بر جامعه را طلب می کنند. نشان داد که خلق (خلق، مناسب ترین واژه برای بیان مجموعه گروه های اجتماعی در صف انقلاب است) در تجربه های زندگی خود دریافته است که با وجود سیستم سرمایه داری وابسته در ایران هرگز نخواهند توانست نه نان و نه امنیت در کار به دست آورند و نه آزادی. از این روست که شعار نان و کار و آزادی عمق جنبش کنونی را نشان می دهد.

که بدون مبارزه طبقاتی و تلاش برای از بین بردن سیستم اقتصادی - اجتماعی ای که دشمن برای حفظ آن، اسلام را "پله" کرده است، نه اسلام و نه هیچ مذهب دیگری را نمی توان از بین برد. در هر حال، توده های انقلابی ایران با طرح شعار فوق این درس را به همگان آموختند که برای مبارزه با دشمن باید کوشید سلاح "اسلام" را از دست وی گرفت.

شعار ایجابی بر محتوای نان، کار و آزادی، نشانگر خواست اصلی این جنبش بود و نشان داد که این جنبش مهر طبقاتی کارگران و زحمتکشان جامعه را روی خود دارد. نشان داد که اردوی کار به همراه پشتیبانانش در میان دیگر گروه های اجتماعی، از خواست سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، در واقع دگرگونی بنیادی کل سیستم اقتصادی - اجتماعی حاکم بر جامعه را طلب می کنند. نشان داد که خلق (خلق، مناسب ترین واژه برای بیان مجموعه گروه های اجتماعی در صف انقلاب است) در تجربه های زندگی خود دریافته است که با وجود سیستم سرمایه داری وابسته در ایران هرگز نخواهند توانست نه نان و نه امنیت در کار به دست آورند و نه آزادی. از این روست که شعار نان و کار و آزادی عمق جنبش کنونی را نشان می دهد. در جریان جنبش دیمه و پس از آن همچنین ما با شعارهای رادیکال دیگر که نشانگر حضور نیروهای معتقد به کمونیسم در جنبش می باشد به شکل دیگری در جریان شعار نویسی روی دیوار ها مواجه شدیم. شعارهایی نظیر "چیزی برای از دست دادن نداریم جز زنجیرهایمان"، "انقلاب جشن توده ها" (این شعار مشخصاً حرف مارکس است که می گوید: "انقلاب لکوموتیو تاریخ است. انقلاب جشن ستمکشان و استثمار شوندهگان است")، یا حتی به طور واضح شعار "زنده باد سوسیالیسم". اینها، همه شعارهایی هستند که در عین حال که نیاز عمیق اجتماع را برای دگرگونی کامل سیستم اقتصادی - اجتماعی بیان می کنند در

همان حال سطح آگاهی موجود در جامعه (آگاهی های نشأت گرفته از تعالیم کمونیستی) و وجود و حضور گفتمان سوسیالیستی در جنبش را نشان می دهند. همچنین با توجه به این که بسیاری از مساجد در رژیم جمهوری اسلامی به مراکز ستم و سرکوب توده ها تبدیل شده اند، توده ها به طور کاملاً آگاهانه، شعار مرگ بر خامنه ای یا مرگ بر جمهوری اسلامی را روی دیوار مساجد هم می نوشتند. شعار نویسی درست در مرکز ستم و در قلب سرکوب، به نوبه خود هم بیانگر شجاعت و جسارت نیروهایی بود که کار مبارزاتی را در این شکل انجام می دادند، و هم ضدیت آنها با ایدئولوژی اسلامی ای که مساجد مبلغ آنند را نشان می داد.

اما، در رابطه با درگیری توده ها با نیروهای مسلح رژیم! از این درگیری ها باید به مثابه وقوع قیام های توده ای صحبت کرد. هر چند کلمه خیزش در فارسی به مفهوم قیام یعنی برخاستن است اما کلمه "قیام" در ادبیات مارکسیستی مفهوم معین و مشخصی دارد که "خیزش" آن را القاء نمی کند. در ترم مارکسیستی، "قیام" به معنی حمله توده های مردم به مراکز نظامی که همان مراکز سرکوب هستند، می باشد. ما در جریان روزهای پر شور و انقلابی دیمه شاهد حملات توده ها چه با دست خالی، چه با تفنگ های شکاری و چه با کوکتل مولوتف یا سلاح های دیگر به چنین مراکزی بودیم. این واقعیت چنان بود که حتی دشمن نیز آن را انکار نمی کند. در طی آن روزها توده ها به هر مکانی که به عنوان مرکز ستم و سرکوب می شناختند یورش برده و در جاهای مختلف، آن مکان ها را به آتش کشیدند. حمله به کلانتری ها و در مواردی تسخیر آنها، حمله به مساجد که پایگاه بسیج به مثابه یکی از نیروهای سرکوبگر رژیم شمرده می شوند و سوزاندن قرآن به عنوان کتاب مقدس مورد استناد رژیم برای توجیه ستم و استثمار در جامعه، حمله به فرمانداری ها، دفاتر ائمه جمعه و حتی به اداراتی چون رانندگی و راهنمایی که علیرغم عنوان خود در رژیم جمهوری اسلامی به صورت مراکز زورگوئی و باج گیری از مردم در آمده اند، و خلاصه حمله و به آتش کشیدن هر مرکز ستم و سرکوب در شهرهای مختلف و حتی در دهات، از اقدامات انقلابی توده ها بود. توده های انقلابی در برخی شهرها چنان نیروهای سرکوب رژیم را محاصره می کردند که آنها قادر به حرکت نبودند و عملاً عاجز و درمانده در محاصره توده ها باقی می ماندند. به این نحو، در مواردی توده انقلابی موفق به تسلیم نیروهای مسلح دشمن در مقابل خود می شدند، و خیلی صحنه های انقلابی و شورانگیز دیگر توسط توده هایی که عزم کرده بودند تا دیگر

چهره خود را پنهان کرده ولی مسلم است که هر جا وارد عمل می شد توده ها به همان شکل با نیروهای ارتش برخورد می کردند که با ضمایم و دست پروده هاش برخورد کردند.

این شرح خیلی کوتاه و فشرده آن چیزی است که در دیماه به وجود آمد و آغاز شرایط نوین و دوره تاریخی جدیدی را در سرزمین ما اعلام نمود. اگر بخواهیم با استفاده از ترمولوژی مارکسیستی صحبت کنیم ، باید بگوئیم که به پا خاستن توده ها در چنین ابعاد عظیم علیه رژیم جمهوری اسلامی، و مبارزه مستقل سیاسی آنها با دشمنان شان، که خود در پی مبارزات اعتلاء یافته بلافاصله قبل از دیماه و در شرایط ورشکستگی و رشد بحران های درون حکومتی به وجود آمد، نشان می دهند که جامعه ایران وارد دوره انقلاب شده است.

(ادامه دارد)

حمله به بسیج و آتش زدن آن ، همدان: هجوم به فرمانداری همدان و شکستن درب و شیشه های آن با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و...

بنابراین، واقعیتی که در روزهای پر شور دیماه رخ داد را باید با نام واقعی اش یعنی قیام های کوچک و بزرگ شهری بخوانیم. درست در جریان این قیام ها بود که توده ها با خشم و کینه ای که حاصل تحمل چند دهه دیکتاتوری و وحشیگری بی حد و حساب پلیس و دیگر نیروهای سرکوبگر بود به درستی به طور بی رحمانه و قاطع با دشمنانشان برخورد کردند - که چنین نیز می بایست باشد. توده ها امکان پیدا کردند برخی از افراد اطلاعاتی، پلیس، بسیجی و پاسدار که در دسترس شان بودند را به سزای اعمال وحشیانه ای که این نیروهای مزدور پست در همه عمرشان علیه توده ها انجام داده اند، برسانند. البته این را هم می دانیم که در حال حاضر ارتش به عنوان ستون فقرات حاکمیت، از طریق ارگان های دست ساز خودش مثل بسیج و سپاه پاسداران عمل می کند و

همچون سابق شرایط وحشتناک ستم و استعمار و خفقان و دیکتاتوری را تحمل نکنند به وجود می آمد. کاملاً می شد دید که شور و روح انقلابی خاصی بر توده ها حاکم شده بود. اسامی برخی از شهرهائی که مبارزه قهر آمیز توده های انقلابی علیه نیروهای نظامی دشمن در آنجاها برجستگی داشت را می توان در اینجا ذکر کرد: ایزه : حمله به بسیجی ها، کرمانشاه: تعرض مردم به نیروهای سرکوب، شهر کارگر نشین اراک: حمله به پایگاه بسیج، حمله به کیوسک نیروهای انتظامی در مرکز شهر اراک و آتش زدن آن، فراری دادن ماموران و همچنین واژگون کردن خودروی نیروهای انتظامی، مبارکه اصفهان: حمله به بسیج فاطمه اصفهان با بمب های دستی، قهدریجان: حمله به پایگاه بسیج ، دورود: حمله با سلاح به یک ایستگاه پلیس و به آتش کشیدن آن و سپس حمله به فرمانداری دورود، شاهین شهر اصفهان: به آتش کشیدن ماشین بسیج، مشهد: حمله به خودروی نیروهای سرکوب، اهواز : چندین حمله مسلحانه به پایگاه های بسیج، جوی آباد اصفهان:

دستمزد کارگران در ایران بسیار پایین تر از

استانداردهای جهانی است!

بر اساس گزارش روز یکشنبه ۲۶ فروردین ماه، سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس و نماینده رژیم از حوزه انتخابیه تبریز، آذرشهر و اسکو در گفتگو با خبرنگار ایلنا، گفت: به رغم افزایش دستمزد، باید پذیرفت دستمزد کارگران در ایران بسیار پایین تر از استانداردهای جهانی است. وی درباره مصوبات مزدی شورای عالی کار اظهار داشت: تصمیم این شورا بر افزایش حدود ۱۹/۸ درصد مزد حداقلی بگیریان و ۱۰/۴ درصد برای سایر سطوح بود. با این حال، این نکته را باید مدنظر داشت دستمزدی که کارگران در ایران دارند دریافت می کنند بسیار پایین تر از استاندارد جهانی است و بنابراین، باید بسیار بیشتر از این ها باشد. با توجه به شرایط اقتصادی کشور و مسائل حوزه کارگری و کارفرمایی، در نشست های شورای عالی کار به توافقاتی می رسند که هم افزایش حقوق کارگران حاصل شود و هم چرخ تولید بچرخد. با توجه به تورم و شرایط اقتصادی، و اینکه دستمزدهای کارگران باید بسیار بیشتر از نرخ های مصوب باشد، بعید می دانم در چنین شرایطی کارفرمایان به بهانه هزینه های ایجاد شده از بابت تحولات اخیر بازار ارز، درخواست کاهش دستمزدها را بدهند. اگر هم چنین اتفاقی بیفتد، قطعاً با واکنش جامعه کارگری و نمایندگان مجلس روبرو خواهد شد. دستمزدها باید به گونه ای باشد که رضایت طرفین در آنها حاصل شود. بیش از اندازه پایین بودن دستمزدها موجب اعتراضات کارگران می شود و بسیار بالا بودن آن باعث مقرون به صرفه نبودن تولید در داخل می شود. البته در دوره ای به خاطر فقدان محیط امن برای سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال در داخل، بسیاری سرمایه ها به خارج از کشور منتقل شد، بسیاری واحدهای تولیدی تعطیل شدند، بسیاری هم تعدیل نیرو کردند و با ظرفیت پایین تر کار کردند.

استفاده از کار کودکان کار، توسط پیمانکاران شهرداری!

بر اساس گزارش روز شنبه ۱۸ فروردین ماه، نیمه های فروردین ماه تصاویری از یک کودک یزدی در حال رنگ آمیزی جداول کنار خیابان در فضای مجازی منتشر شد. شهرداری یزد این تصاویر را نتیجه شیطنیت رسانه ها دانست و ادعا کرد شهرداری هرگز از کار کودکان در خدمات شهری استفاده نمی کند. اما یک معلم و فعال حقوق کودک می گوید: در روزهای پایانی هر سال شاهد به کارگیری دانش آموزان توسط پیمانکاران شهری بوده ام. آنها از این طریق می کوشند سود خود را بالا ببرند. اکثریت این کودکان و دانش آموزان از خانواده های فقیر و کم درآمد هستند و دستمزد چند برابر زیر خط فقر والدین آنها باعث می شود که کودکان برای کمک به درآمد خانواده، تن به این استثمار بدهند و یگانه فرصت کودکی خود را در کنار اتوبان ها و خیابان ها در میان دود و هیاهو سپری کنند. روابط عمومی شهرداری یزد در عین حال عنوان کرده بود که خدماتی مثل رنگ آمیزی جداول به پیمانکاران سپرده می شود و شهرداری در این میان مسئولیتی در قبال "نیروی کار" ندارد. این فعال حقوق کودک در پاسخ به این اظهارات نیز می گوید: آنجا که مسئول روابط عمومی شهرداری یزد از واگذاری مسئولیت هایی مثل رنگ آمیزی جداول به پیمانکاران خبر می دهد و می گوید که رنگ آمیزی جداول در شهرداری یزد برون سپاری شده و از شهرداری سلب مسئولیت می کند، دقیقاً همان جایی است که دست مسئولان شهری و بسیاری از کار به دستان رو می شود و پشت سیاست های برون سپاری عریان می شود. سیاست هایی که با به کار گرفتن نیروی کار ارزان، سود سرشاری عاید پیمانکاران می سازد. او در بخش دیگر انتقادات خود می گوید: به نظر می رسد شهرداری یزد کوشیده است اصل مسئله یعنی "کار کودکان" را توجیه نماید و حتی به خود زحمت نداده و بدون تحقیق احتمال داده است که این تصویر، متعلق به فرزند یک کارگر باشد و همین نگاه نشان می دهد که ساختار مدیریت شهری به چه میزان با حقوق کودکان بیگانه است، تا جایی که به هر شکل ممکن می کوشند کار کودکان را توجیه نمایند یا به انحاء مختلف صورت مساله را پاک کنند. وی ادامه می دهد: متأسفانه نه تنها در شهرداری یزد بلکه در شهرداری بسیاری از شهرها از جمله در اصفهان و تهران، فقدان نظارت بر عملکرد پیمانکاران، زمینه استثمار و بهره کشی از کودکان را به عنوان نیروی کار ارزان فراهم می سازد.

دمکرات ایالات متحده آمریکا که کسی در راست بودنشان شک نداشته و من هم به همین خاطر به آنها اشاره می کنم هم با استناد به چنین تعاریفی می توانند ادعا کنند که جناح چپ دارند و یا در چپ آن دیگری قرار گرفته اند. اما در جریان زندگی واقعی این بازی با کلماته در جریان مبارزه سیاسی مردم جریانات سیاسی را با موضعی که در مقابل نظام حاکم و قدرت دولتی و جهت رهایی مردم از شر ظلم و ستم اعمال شده از سوی قدرتمندان اتخاذ می کنند می شناسند. و به همین اعتبار هم جریان اکثریت را شناخته و از آن نفرت دارند. از سوی دیگر این جریان حزب هم نیست. چون با تشکیل حزب مورد بحث سازمان اکثریت رسماً اعلام کرد که سازمان خودش را حفظ کرده و فعلاً یعنی حداقل تا کنگره بعدی اکثریت، قصد منحل کردن آنرا ندارد. یعنی در عمل سازمان اکثریت ضمن حفظ موجودیت خودش با کسان دیگری دست به تشکیل تشکل جدیدی زده که هر چه باشد حزبی نیست که قرار بوده با انحلال نیروهای تشکیل دهنده این کنگره شکل بگیرد. برخورد اکثریتی ها بیشتر نشاندهنده جبهه سازی آنهاست تا حزبی جدید و آنهم چپ.

پرسش: رفیق سنجرى بر اساس آنچه شما گفتید پس اعلام حزب با نام جدید و اساسنامه و منشور آنهم با توجه به اینکه بیشتر نیرو های تشکیل دهنده آنرا اعضای سازمان اکثریت دارند تشکیل می دهند به منزله انحلال سازمان اکثریت نیست؟

پاسخ: به هیچ وجه. اکثریتی ها تشکل جدیدی را علم کرده اند اما با توجه به اینکه در این کنگره حتی نتوانستند به یک برنامه واحد هم دست پیدا کنند و تصویب منشور مورد توافقشان را به دومین کنگره حزب اکثریت ساخته موکول کرده اند مصلحت را در این دیدند که فعلاً سازمان خودشان را حفظ کنند تا اگر در جریان عمل خطوط مورد نظرشان با مخالفت روبرو شد تشکلی را که با همه تناقضاتش در هر صورت فعلاً دارند را از دست نداده باشند. به خصوص که باید در نظر داشت که این جریان سازمان به مفهوم شناخته شده اش نیست. خطوط سیاسی کاملاً گوناگون و مختلفی در آن در کنار هم به "همزیستی مسالمت آمیز" که شاید از گذشته که دو آتش طرفدار شوروی سابق بودند برایشان باقی مانده، مشغولند. دسته هایی که وجه مشترک شان ضد مردمی بودنشان می باشد. از حامیان همکاری با سلطنت طلبان تا مدافعین کنفرانس هایی که غربی ها جهت آلترناتیو سازی شکل می دادند و یا میدهند. در کنار آنهایی که برای خامنه ای نامه می نویسند و در بی بی سی از وی بیشمارانه دفاع می کنند. پشتیبانی از اصلاح طلبان حکومتی هم که همه گیر است. خوب در صورتی که کار تشکل جدید با موانعی مواجه بشه جمع کردن چنین معجونی پس

گفتگوئی در باره حزب سازی اکثریتی ها

مصاحبه کانال "بذرهای ماندگار" با رفیق فریبرز سنجرى در باره "حزب چپ ایران" (فداییان خلق)



اصطلاح حزب چپ جدید را جدی نگرفتند کاملاً محق بودند. چون تشکل جدیدی که از سوی کنگره مشترکی که اکثریت شرکت کنندگانش اعضای سازمان اکثریت بودند اعلام شد در واقعیت نه چپ است و نه حزب. بلکه تلاشی تبلیغاتی برای اینکه به سازمان بد نام اکثریت شکل و شمایل جدیدی داده بشه. اما از آنجا که کرکس را همیشه با رنگ کردن به جای بلبل به مردم غالب کرد، اکثریتی ها هم نمی توانند یار گیری جدیدشان را که اتفاقاً هم بیشتر از میان جدا شدگان سابق خودشان می باشه را به عنوان موجودی جدید به دیگران غالب کنند. آنهم جریانی چپ.

این جریان چپ نیست چون چپ اگر به معنای نقد رادیکال نظم ظالمانه موجود در نظر گرفته بشه اکثریتی ها همواره و در عمل نشان داده اند که علیه نظام سرمایه داری و خواهان نابودی این نظم ظالمانه که مبتنی بر استثمار فرد از فرد است نبوده و نیستند. در همین منشور ادعائی هم که تازه قرار شده بعداً تصویب بشود، منظورم منشور همین کنگره مشترکشان. آنها از مبارزه برای نابودی نظام سرمایه داری سخن نمی گویند بلکه به مقابله با تعرض سرمایه تاکید دارند. یعنی مخالف زیاده خواهی های سرمایه داران هستند و نه نفی وجود این نظم ظالمانه. بنابراین اینها زمانی می توانند خودشان را چپ بنامند که معنای چپ را عوض کرده باشند و در این صورت هم خوب با تعریف من درآوردی از معنای چپ هر جریان راست شناخته شده ای هم می تواند ادعا کند که نسبت به فلان جریان راست که از وی راست تره، چپ است. برای نمونه احزاب جمهوری خواه و

پرسشگر کانال بذر های ماندگار: با درود به شنوندگان کانال بذر های ماندگار. اخیراً یعنی در روزهای دهم تا دوازدهم فروردین ماه ۱۳۹۷ از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همراه با سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران (طرفدار وحدت) و کنشگران چپ، کنگره مشترکی در شهر کلن آلمان برگزار شد و متعاقب آن اعلام شد که حزب چپ ایران (فداییان خلق) بنیان گذاشته شد. با توجه به سیاستهای شناخته شده اکثریتی ها در حمایت از رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی و بد نامی غیر قابل انکارشان در میان مردم برای خیلی ها پرسش هایی در باره چرایی شکل گیری این جریان و اینکه چه الزاماتی راستها را واداشته تا خودشان را چپ بنامند مطرح شد که این پرسش ها در رسانه های مجازی بطور وسیعی طرح شدند. به همین دلیل ما از رفیق فریبرز سنجرى از مسئولین چریکهای فدائی خلق خواستیم که پاسخگوی پرسش های ما در این زمینه باشند.

پرسشگر: رفیق سنجرى با تشکر از شما که پاسخ به پرسش های ما در رابطه با حزب جدید را تقبل کردید. بگذارید اولین پرسش خودمان را در این باره مطرح کنیم که با توجه به مواضع شناخته شده سازمان اکثریت و همپالگی هایش ادعای چپ بودن حزب جدید را تا چه حد همیشه جدی گرفت و یا اینکه اصلاً باید جدی گرفت یا نه؟ بفرمائید رفیق.

فریبرز سنجرى: با تشکر از مسئولین کانال بذر های ماندگار که این فرصت را فراهم کردند تا در باره این موضوع با شنوندگان این کانال به گفتگو بپردازم. در رابطه با پرسش شما قبل از هر چیز باید تاکید کنم که همه آنهایی که این به

باشد که نام و اساسنامه دارد اما منشور و برنامه ندارد. وقتی اکثریتی ها می خواهند فیل هوا کنند جز این هم نباید انتظار داشت.

ببینید خودشان می گویند که حدود دهسال است دارند برای تشکیل این حزب کار می کنند. برای شکل گیری این وحدت کار می کنند. اما در این دهسال نتوانسته اند منشور واحدی را برای کنگره موسس مورد نظرشون سرهم کنند و سرانجام هم مجبور شدند آنرا به کنگره بعدی همین حزب موکول کنند. معلوم نیست که اگر در طول دهسال چانه زنی به یک هم نظری و یک هماهنگی نظری نرسیده اند چگونه قرار است در کنگره بعدی به منشور واحد برسند و اگر نتوانستند به یک منشور واحد برسند چه بر سر این حزب جدید خواهد آمد.

پرسش: رفیق به دنبال اعلام تشکیل حزب جدید اکثریتی ها تلاش آگاهانه ای کردند تا جلوه دهند که به قول فرخ نگهدار "بدنه اصلی فدائی" در این حزب دو باره به هم رسیده اند. از اقلیتی تا اکثریتی. آیا به واقع این وحدت بیانگر پایان جدائی های قبلی هست؟

پاسخ: اتفاقا یکی از دروغ هایی که در جریان این فیل هوا کردن اکثریتی ها زیاد شنیده می شد همین اعلام پایان انشعاب ها و آغاز وحدت آنهم در طیف نیرو هایی بود که به هر حال تحت نام فدائی فعالیت می کردند و یا می کنند. این دروغو ها که البته در طول سالهای طولانی اکثریتی بودنشون دروغگوئی به یکی از ویژگی هایشان بدل شده آنقدر روحیه شان بالاست که حتی به روی خودشون نمی آورند که اتفاقا در همین پروسه وحدت که بین سه جریان شروع شده بود دو جریان دیگر دچار انشعاب شدند. می دانیم که سازمان اکثریت با سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و شورای موقت سوسیالیستها این پروسه را شروع کردند. اما شورای موقت سوسیالیستها از این پروسه که باعث تنش هایی در صفوف آنها شده بود خارج شد و بعد ها کنشگران چپ جایگزین آنها شدند. همچنین سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران درست به خاطر همین پروسه دو تکه شد و آن قسمتی که در این کنگره شرکت کرده در مقابل اسمشان در داخل پراوتز اضافه کرده اند طرفداران وحدت. یعنی بخش بزرگی از همین جریان به این حزب نوظهور نپیوسته اند. از سوی دیگر بر کسی پوشیده نیست که بیشتر تشکل هایی که تحت نام فدائی فعالیت می کنند هیچگاه و از همان ابتدا وارد چنین پروسه ای نشده بودند چرا که اساسا اکثریت را جریان درون صف مردم و انقلاب مردم نمی شناسند. اما اکثریتی ها مساله شان نه این حقایق بلکه دروغی است که آگاهانه اشاعه می دهند. آنها بعد از اینکه بخش بزرگی از سازمان فدائی را به

شناخت درستی دست نخواهیم یافت. به همین دلیل هم بررسی برنامه باید با کنکاش در عملکرد تکمیل شود تا ما را به شناخت درستی رهنمون بکند. به خصوص که تجربه زندگی نشان داده که برخی از جریان های سیاسی عملکردشان هیچ انطباقی با برنامه ای که اعلام کرده اند ندارد! به همین دلیل هم برای شناخت جریانات سیاسی باید عملکرد آنها را دقیقا در نظر گرفت و فراموش نکرد که همانطور که انسانها را از روی عملشان باید شناخت و نه حرفهایشان برای قضاوت در باره جریانات سیاسی هم باید به عملکردشان نگاه کرد تا متوجه شد که چقدر عملشان با برنامه و ادعاهایشان انطباق دارد. اگر این روش را که تنها روش علمی و درسته راهنمای عمل خودمون قرار بدهیم خوب روشنه که در این بحث کسانی که فقط روی برنامه انگشت می گذارند احتمالا خودشان هم می دانند که در عملکردشان نقاط منفی و سیاهی وجود دارد که مایل به یاد آوری آن نیستند. البته قابل فهمه که چرا اکثریتی ها از یاد آوری همکاری شان با جمهوری اسلامی در سرکوب انقلاب و کشتار انقلابیون که یکی از وجوه مشخص هویتی شان می باشد متشنج می شوند. برای همین هم هست که آنها به هر وسیله ای متوسل می شوند تا این گذشته را لایوشانی کنند. که تلاش مذبوحانه ایست که هرگز هم به نتیجه مورد نظر آنها منجر نمی شود. به خصوص که عملکرد ضد مردمی این جریان فقط به سالهای دفاع تمام قدش از خمینی و ولایت فقیه این جنایتکار محدود نمی شه، ما در چهل سال گذشته در هر بزنگاهی شاهد حمایت این جریان از ضد انقلاب حاکم بوده ایم. برای همین هم باید تاکید کرد که مشکل این سازمان رسوا نه صرفا در گذشته سپاهش در دهه ۶۰ که خواهان "شکوفائی جمهوری اسلامی ایران" بود بلکه در کل تاریخ حیات وی و در مواضع ضد مردمی کنونیش هم نهفته است و می باشد. سازمانی که جهت حرکتش را همسوئی با جناح های درونی جمهوری اسلامی شکل داده و به همین دلیل هم باید وی را به عنوان زائده ای از همین جناح ها شناخت و معرفی کرد.

پرسش: رفیق سنجر اکثریتی ها در حالیکه برای لایوشانی عملکرد خائنانشان روی برنامه تکیه می کنند اما در کنگره حزب جدیدشان منشور وحدت را قطعی نکردند تا معیاری برای سنجش در اختیار دیگران قرار بدهند. این برخورد را چگونه ارزیابی می کنید شما؟

پاسخ: همانطور که قبلا اشاره کردم از قرار جذب نیرو های جدید و اعلام موجودیت حزب جدید برایشان مهمتر از روشن کردن بنیانهای نظری و برنامه ای این یکی شدن بوده است. عجله داشتند که حزب جدید را اعلام کنند برایشان هم مهم نبوده که موجود ناقص الخلقه ای

از انحلال کاری نشدنی است. امری که مسئولین اکثریت به خوبی بر آن واقفند. برای همین هم هست که با اینکه مدعی اند دهسال است برای این وحدت تلاش می کنند اما امر انحلال خودشون را در کنگره مشترک به کنگره سازمانی بعدیشان موکول کرده اند. تا عاقبت اندیشی شان زیاد توی ذوق همکارانشان در حزب جدید اکثریت ساخته نخورد.

پرسش: رفیق، اگر سازمان اکثریت خودش را منحل نکرده و بخش بزرگی از نیروهای تشکیل دهنده این حزب جدید را هم همان اکثریتی ها تشکیل می دهند پس چه نیازی به این حزب سازی بوده؟

پاسخ: ببینید سازمان اکثریت به دلیل همه مواضعی که در حدود چهل سال گذشته اتخاذ کرده به جریانی بد نام و بی اعتبار بدل شده که کمتر کسی حاضره با آنها دست همکاری بده و یا با آنها سر یک میز بنشیند. به جز کسانی که خوب خودشان هم مثل اکثریتی ها در جریان فعالیت های سیاسی شون پرونده سیاهی دیپدا کردند و به قول معروف آب از سرشان گذشته. خوب اعلام حزب جدید یکی از کارکردهایش به حاشیه راندن و پرده پوشی همین بی اعتباری عمومی است که با نام اکثریت عجین شده. از سوی دیگر این جریان هم مثل همه همپالگی های دیگرش به فیل هوا کردن احتیاج دارد تا به مخاطبین خود پیام دهد که ما چپ را متحد و منسجم کرده و آمادگی ایفای نقش در برنامه های پیش رو را داریم. از سوی دیگر با اینکه این پروسه از چند سال پیش شروع شده اما تحولات داخل کشور که خودش را در خیزش پر شکوه دی ماه ۹۶ نشان داد و مواضع تندی که دولت ایالات متحده آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی گرفته برخی ها را به صرافت این اتحاد حتی قبل از روشن شدن قطعی منشور اتحاد واداشته است. بیخود نبوده که برخی از شرکت کنندگان در این کنگره مدعی بودند وحدته و نه منشور وحدت و روشن شدن بنیانهای نظری چنین وحدتی.

پرسش: شما از گذشته خائنانه اکثریت صحبت کردید اما این روز ها در فضا های مجازی تا کسی به خیانت های اکثریتی ها مثل همکاری با نهاد های سرکوب جمهوری اسلامی برای دستگیری آزادیخواهان و مبارزین اشاره می کند فوراً طرفداران این جریان مدعی می شوند که سازمانها و احزاب را باید با برنامه آنها مورد سنجش قرار داد و نه گذشته شان. در این مورد شما چه فکر می کنید؟

پاسخ: در این شکی نیست که بررسی برنامه هر تشکلی گام اول برای شناخت آن می باشد. اما اگر در این پروسه فقط به حرفها و ادعا ها اکتفا کنیم بدون شک به

پابوسی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی بردند و بعد از اینکه این سازمان بزرگ کمونیستی را با تحمیل اخراج ها و انشعابها از درون متلاشی کردند و بعد از اینکه سالها علیه ارزشها و آرمانهای که چریکهای فدائی خلق برایش جنگیده و جان داده بودند به هر دسیسه ای متوسل شدند حالا یادشان افتاده که در نقش متحد کننده و وحدت بخش وارد صحنه بشوند و ار همگان هم بخواهند که همه آن کار ها را به حساب کودکی آنها بگذارند و اجازه بدهند که سر پیری برغم همه

رسوایی های گذشته کمی آرامش پیدا کنند و آن گذشته ننگین را از خاطره ها بزدایند. بگذارید در پایان این پاسخ تاکید کنم که ایجاد حزب جدید هیچ نقشی در جنبش انقلابی مردم ما نخواهد داشت چرا که این حزب اکثریتی اساسا خارج از این جنبش قرار دارد.

پرسش: رفیق سنجر با توجه به اینکه شما حزب جدید را خارج از جنبش انقلابی ارزیابی می کنید چه آینده ای برای آن تصور می کنید؟

پاسخ: با نگاهی به همین مواضع اعلام شده و یا صحبت‌هایی که اعضاء و طرفداران حزب جدید در جریان کنگره مشترک مطرح کردند روشن می شه که ما با جریانی مواجه ایم که در شرایطی که مردم در مقیاس توده ای نابودی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را در خیابانها فریاد می زنند حتی حاضر نیستند سرنگونی جمهوری اسلامی را با صراحت اعلام کنند و با کلمات دو پهلو چون ضرورت گذار از جمهوری اسلامی به دموکراسی آنهم با حداقل هزینه گریبان خودشان را از این امر خلاص می کنند. همچنین در شرایطی که کارگران و ستم‌دیدگان در جریان خیزش دی ماه سال ۱۳۹۶ پاسخ آتش نیروهای سرکوب دیکتاتوری حاکم را با آتش می دادند ما با جریانی مواجه ایم که قصد دارد

با تکیه بر قضاوت صندوق رای سردمداران جمهوری اسلامی را راضی به ترک قدرت کنه. آنهم در شرایطی که خودشون اذعان می کنند بلوک قدرت به رهبری خامنه ای همچنان با مشیت آهنین با مردم مواجه می شود. صندوق رای در مقابل مشیت آهنین این همه راهی است که این جریان برای رسیدن به دموکراسی مورد نظرش مقابل مردم قرار می دهد که نتیجه اش را در چهل سال گذشته دیده ایم و می دانیم که نتیجه عملیش تحکیم سلطه سرکوبگران حاکم می باشد. بیراهه ای که در واقع خواب و خیالی بیش نیست. از سوی دیگر در شرایطی که مردم کلیت جمهوری اسلامی را با صراحت نفی می کنند و با سر دادن شعار "اصلاح طلب" اصول گرا دیگه تمامه ماجرا "ورشکستگی اصلاح طلبان را به نمایش گذاشته اند. اما این جریان باز هم با روحیه تمام اصلاح طلبان را متحد خودش قلمداد کرده و خواهان حرکت آنها به سمت تحول خواهی ادعایش می باشد. تمرکز بر همین چند مورد خودش بروشنی نشان می دهد که آینده این جریان از گذشته اش جدا نیست و انتظار هیچ معجزه ای از این امام زاده تازه تاسیس نباید داشت. در نتیجه نیازی هم نیست که از اینها پرسید که وحدت کرده اید که چه کار بکنید؟ چون کاری جز همان کارهایی که تاکنون کرده اند از آنها

نخواهیم دید و هیچ انتظاری هم جز این از آنها نباید داشت.

پرسشگر: با تشکر از شما رفیق عزیز در پایان اگر هر صحبت دیگری دارید لطفا بفرمایید؟

پاسخ: ممنون از وقتی که به من دادید. فکر کنم که تا جایی که این گفتگو اجازه می داد به مساله تشکیل تشکل جدید از سوی اکثریتی ها پرداختیم. تشکلی که نه حزب است و نه چپ بلکه بازی جدیدی است که اکثریتی های رسوا و بی اعتباراره انداخته اند تا در شرایطی که به قول

خودشان کشور وارد فرایند بحران سیاسی شده و جمهوری اسلامی را بحران های متعددی باز هم به قول خود این جماعت "بحران مشروعیت"، "بحران کارآمدی"، "بحران ایدئولوژیک و رهبری"، "چالش جریان های درون خود" رژیم فرا گرفته راه امکان مانور در آینده را برای خودشون هموار کنند. که البته با توجه به برخورد کارگران و ستم‌دیدگان با اصلاح طلبان حکومتی و توجه به رادیکالیزمی که مبارزات مردم را فرا گرفته بعید است جوانان و ستم‌دیدگان ما این جریان را اصلا به حساب آورند. آنها با حزب جدید همان برخوردی را خواهند کرد که با سازمان بد نام اکثریت تاکنون کرده و در آینده هم خواهند کرد. مردم ما در جریان انقلاب سال ۵۷ وقتی مزدوران رژیم سلطنت روی شعار های انقلابی رنگ می پاشیدند در زیر همان شعار می نوشتند که ننگ با رنگ پاک نمی شه امروز هم به اکثریتی ها خواهند گفت رسوایی مواضع ضدانقلابی آنها در چهل سال گذشته هرگز با تغییر نام فراموش نخواهد شد. پیروز باشید.

پرسشگر: با تشکر مجدد از شما رفیق فریبرز عزیز از وقتی که در اختیار کانال تلگرام بذر های ماندگار چریکهای فدائی خلق گذاشتید. با ایمان به پیروزی راهمان. شاد و پیروز باشید.

این خائن که خنجر کشیده و زهر آمیز است...
چگونه بر دشواری های تثبیت،
تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان
حیره شویم؟
آبان ۱۳۶۰

حزب نواده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
در باره فاجعه افتخار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی

ما یکان خلق (اکثریت) اسناد و از همه تحت
هری امام خمینی علیه امریکای جنایتکار فاطمه
می زنهان! من تحت محکم تا بست بر دهان
مزدوران امپریالیسم

آبان ۱۳۶۰

تلاطم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
به حضور آیت الله خمینی
بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

باستقبال از فراخوان سازمان
تحویل سلاح به سپاه پاسداران
همچنان ادامه دارد

تاکتیک از طرف تشکلات ارتش و سپاه
استخبارات گمان، هوشنما، ارتش و برخی دیگر از
سازمان به طاعت منکول حویل داده شده است

مبارزان سازمان نیز با استقبال از رهنمودهای
به نفع مبارزان و مبارزه با سلاح های در تحویل داده اند.

چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۶۰
سال دوم - شماره ۱۲ - صفحه ۱۵

گزارشی از مراسم روز جهانی کارگر در هانوفر آلمان



روز سه شنبه اول ماه مه ۲۰۱۸، به مناسبت روز جهانی کارگر، راهپیمایی بزرگی از طرف فعالین اتحادیه های کارگری و نیروهای سیاسی چپ و فعالین سیاسی در شهر هانوفر آلمان برگزار گردید. تظاهرکنندگان مارش خود را با حرکت به سمت ساختمان شهرداری هانوفر آغاز کرده و در طول راهپیمایی شعارهایی در حمایت از مطالبات طبقه ی کارگر آلمان و همچنین در همبستگی بین المللی طبقه ی کارگر سر داده شد. اساسا شعار محوری این راهپیمایی "روز همبستگی" بود. در همان ابتدای حرکت، پلیس با استناد به ممنوعیت حمل پرچم های نیرو های گرد گردستان سوریه در آلمان از گردهای سوریه خواست از حمل پرچم های رزوا خودداری کنند. این امر که نتیجه قراردادهای پشت پرده با دولت سرکوبگر ترکیه بود، به تنش با پلیس منجر شد و در نتیجه پلیس با دستگیری یک جوان چپ آلمانی، به دلیل اعتراض او به برخورد پلیس، وی را از شرکت در راهپیمایی محروم کرد. امری که با اعتراض همه تظاهرکنندگان مواجه شد. یکی از ویژگی های راهپیمایی روز جهانی کارگر امسال حضور چشمگیر جوانان در این مراسم بود. همچنین در فضای سبز نزدیک به مرکز فرهنگی فائوست، طبق روال هر سال جشنی به مناسبت روز کارگر بر پا گردید که نیروهای مختلف سیاسی میزکتاب و غرفه های فرهنگی دایر کرده بودند. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در آلمان نیز در این محل میز کتاب دایر کردند که مورد استقبال مراجعه کنندگان قرار گرفت. اطلاعاتیه سازمان به مناسبت روز جهانی کارگر به زبان های فارسی و آلمانی در بین بازدید کنندگان توزیع شد. همچنین بازدید کنندگان از میز کتاب با کمک های مالی خود به تداوم فعالیتها یاری رساندند.

پیروز باد همبستگی بین المللی کارگران جهان
فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هانوفر - آلمان
چهارم ماه مه ۲۰۱۸

گزارشی از مراسم روز جهانی کارگر، اول ماه مه،

در گوتنبرگ - سوئد



طبق روال هر سال، گرامیداشت روز جهانی کارگر امسال (۲۰۱۸) با شرکت احزاب و سازمان هایی از کشورهای مختلف، همراه با جمعیتی از جانبداران مبارزات کارگری در یکی از میدان های مرکزی شهر گوتنبرگ سوئد به نام "یرن توریت" برگزار گردید.

گزارشی از مراسم روز جهانی کارگر در شهر لاهه هلند



روز سه شنبه اول ماه مه ۲۰۱۸، یازده اردیبهشت ۱۳۹۷، بدعوت اتحادیه کارگران هلند FNV، جهت گرامیداشت روز جهانی کارگر، مراسمی در شهر لاهه هلند برگزار گردید. کمیته میز کتاب آمستردام که فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند از اعضای آن می باشند، مثل سالهای گذشته فعالانه در این مراسم شرکت کرد. گردهمایی و راهپیمایی روز جهانی کارگر بعد از سالها وقفه هر سال در آمستردام برگزار می شد و ما هم یکی از برگزار کنندگان این روز در آمستردام بودیم. از آنجا که اول ماه مه به مثابه روز جهانی کارگر در هلند تعطیل نیست، اتحادیه کارگران هلند به خاطر اینکه ایده اول ماه مه به عنوان روز کارگر را هر چه بیشتر در میان کارگران هلند جا بیندازد، تصمیم گرفت امسال این مراسم در شهر لاهه برگزار شود.

از یک ماه و اندی قبل از این روز، اتحادیه کارگران هلند، اعلام کرده بود که مراسم در شهر لاهه برگزار می شود و از اعضای خود برای شرکت در راهپیمایی دعوت کرده بود. اتحادیه حتی برای اعضای خود بلیط وسائل نقلیه عمومی تا محل مراسم را هم تهیه نموده بود. این اقدامات فضای مناسبی را در محیط های کارگری بوجود آورده بود تا بتوان در مورد چنین روز مهمی با کارگران به بحث و تبادل نظر پرداخت و هم چنین با آنها از ضرورت تعطیلی چنین روز بزرگی سخن گفت.

از آنجا که حزب کارگر هلند PVDA از مدتی پیش به جمع مخالفان دولت پیوسته و در نقش اپوزیسیون به طرح شعارهایی از قبیل کار واقعی برای همه، حقوق برابر در مقابل کار برابر، مخالفت با برخورد های راسیستی در محیط های کاری، ارتقای وضعیت بازنشستگان چه از نظر کم کردن سالهای کار تا بازنشستگی و چه از نظر حقوق دوران بازنشستگی، پرداخته بود. این موضع گیری بحثهایی را در میان کارگران دامن زده بود. به همین دلیل هم این شعارها چه از پودیموم مکان گردهمایی و چه در طول مسیر راهپیمایی، توسط شرکت کنندگان تکرار شد. تعداد شرکت کنندگان در مراسم امسال حدودا ۳ تا ۴ هزار نفر بود که بیشتر از کارگران کارخانجات و بازنشستگان و همچنین کارگران شهرداری، اتوبوسرانی و ترام بودند که دانشجویان و جوانان نیز آنها را همراهی می کردند. فعالین سیاسی از ملیتهای مختلف ساکن هلند هم از شرکت کنندگان در این مراسم بودند که تعداد فعالین ایرانی چه به صورت سازمانی و چه به صورت فردی قابل توجه بود. اعضای میز کتاب با بنر تعطیلی اول ماه مه و فعالین چریکهای فدایی خلق با بنری که مزین به آرم سازمان بود از شرکت کنندگان در این گردهمایی بودند. در جریان راهپیمایی کسانی در مورد مواضع سیاسی تشکیلات سنوال می کردند که پاسخ های مقتضی به آنها داده شد.

پیروز باد همبستگی کارگران جهان!
کارگران در روز جهانی کارگر باید تعطیل باشند!
فعالین چریکهای فدایی خلق ایران - هلند
اول ماه مه ۲۰۱۸ - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۷



نخست به سخنرانی ها گوش داده و سپس به پارکی که جهت تجمع شرکت کنندگان در تظاهرات تعیین شده بود حرکت کردند. سخنرانان بیشتر روی کمی حداقل دستمزد و ضرورت کاهش مالیات ها صحبت کردند. همچنین با توجه به رشد نیرو های راست در آلمان برخی از سخنرانان وابسته به اتحادیه های کارگری و نیرو های سیاسی، مردم را به مبارزه هر چه فشرده تر علیه فاشیسم و راسیسم فراخواندند. شعار محوری امسال مراسم روز کارگر در کاسل "زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان" بود. که از سوی تظاهرکنندگان فریاد زده می شد. در محل تجمع شرکت کنندگان در مراسم، نیرو های سیاسی مختلف با گذاشتن میز کتاب به توزیع آثار سازمان خود پرداختند. میز کتاب فعالین چریکهای فدائی خلق ایران از جمله این میزها بود که با استقبال شرکت کنندگان مواجه شد. مراجعه کنندگان به میز کتاب با طرح پرسش های خود در صدد بودند تا هر چه بیشتر با مواضع سازمان ما آشنا شوند. در پاسخ به این پرسش ها رفا ضمن افشای ماهیت استثمارگرانه سرمایه داری جهانی به افشای چهره منفور رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و شرایط دردناکی که این رژیم برای کارگران ایران شکل داده است پرداخته و جنایات جمهوری اسلامی علیه کارگران و ستمدیدگان را تشریح و افشاء می کردند. در جریان راهپیمایی و تجمع اعلامیه چریکهای فدائی خلق ایران در باره روز جهانی کارگر به زبانهای فارسی، آلمانی، انگلیسی، کردی و ترکی پخش گردید. در پایان مراسم شرکت کنندگان به رقص های کردی و ترکی پرداختند. پایان پخش مراسم روز جهانی کارگر در شهر کاسل سرود انترناسیونال بود که از سوی جمعیت با آن همراهی می شد.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان
فعالین چریکهای فدائی خلق ایران در آلمان-کاسل
دوم ماه مه ۲۰۱۸

گزارشی از تظاهرات روز جهانی کارگر در لینشوپینگ - سوئد



روز سه شنبه اول ماه مه ۲۰۱۸، به مناسبت روز جهانی کارگر، تظاهراتی در شهر لینشوپینگ سوئد برگزار شد. تظاهرکنندگان پس از تجمع اولیه بسوی پارک Trädgårdsförening راهپیمایی کرده و در طول حرکت شعارهایی در رابطه با ضرورت افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار می دادند. جمعیت شرکت کننده در این راهپیمایی نسبت به سال گذشته بیشتر شده بود و همچنین فعالین سیاسی ملیتهای مختلف ساکن شهر هم نسبت به گذشته بیشتر شرکت نموده بودند. جمعیت بعد از پایان راهپیمایی و در زمانی که در پارک جمع شده بودند به سخنرانی هایی که برگزار کنندگان این حرکت انجام دادند، گوش فرا دادند. با توجه به اینکه در سپتامبر امسال انتخابات پارلمان سوئد برگزار می شود در بیشتر این سخنرانی ها که عمدتاً هم از سوی حزب چپ سوئد انجام شد، سعی می شد که از خواستها و مطالبات کارگران دفاع و سیاستهای احزاب راست افشاء و محکوم شوند. فعالین چریکهای فدائی خلق ایران در لینشوپینگ ضمن شرکت در این مراسم اعلامیه های سازمان در رابطه با روز جهانی کارگر را به زبان سوئدی در میان جمعیت پخش نمودند.

پیروز باد مبارزات کارگران در سراسر جهان
سازمان هواداران چریکهای فدائی خلق ایران در لینشوپینگ - سوئد سوم ماه مه ۲۰۱۸

فضای امروز شهر گوتنبرگ مملو بود از پرچم های سرخ و تراکت هایی با زبان های گوناگون و با موضوع اول ماه مه؛ مارش های اول ماه مه و رفت و آمد انبوه مردم که از گوشه و کنار برای برگزاری تظاهرات، خود را به محل می رساندند، در این روز کاملاً بارانی و سرد، جلوه ی ویژه ای به شهر داده بود. فعالین چریک های فدایی خلق ایران که از روزها قبل با فراخوان رادیویی، آزادیخواهان را جهت شرکت در این مراسم دعوت کرده بودند، فعالانه همچون سال های قبل با برپایی چادر اطلاعاتی، روز جهانی کارگر را گرمی داشتند. آنها با توزیع اطلاعاتیه سازمان در باره روز جهانی کارگر به زبان های فارسی، سوئدی، انگلیسی، آلمانی و کردی، سعی در برقراری ارتباط با مراجعه کنندگان به چادر سازمان را داشتند که در این کار با استقبال مراجعه کنندگان مواجه شدند. بطور مثال پرسش بعضی از مراجعه کنندگان، عمدتاً در مورد "شرایط موجود در منطقه، بویژه جنگ سوریه و کشورهای درگیر در آن"، "سازماندهی توده ای پس از اتفاقات دی ماه در سال گذشته و نقش چریک ها در این رابطه و بویژه سازماندهی توده ها در حرکات آینده"، "آلترناتیو سازی امپریالیست ها برای فردای ایران"، "سازماندهی مخفی و مسلح طبقه کارگر" و ... از جمله مباحث مطرح شده ای بود که فعالین سازمان ضمن مراجعه دادن بازدید کنندگان چادر اطلاعاتی به مقالات مندرج در پیام فدائی، با آنها در موردشان به بحث پرداختند. طبق سال های پیشین، علاقمندان، از جمله جوانان در کنار آرم پرافتخار سازمان قرار می گرفتند و با آن عکس می گرفتند، ضمناً از وجود سلاح در میان آرم در شرایط امروز، شگفت زده می شدند. یکی از این مراجعه کنندگان جوان فلسطینی بود که با خواندن اطلاعاتیه سازمان در مورد فلسطین عاشقانه به آرم خیره مانده بود و در همان حال می گفت "براستی که تنها راه مبارزه با دشمن، با همین سلاح است و بس".

مارش شروع تظاهرات، ساعت ۲ بعد از ظهر از میدان "یرن توریت" این شهر نواخته شد و جمعیت که متشکل از کارگران و نمایندگان احزاب مختلف، شخصیت ها و فعالین سیاسی بود به سمت میدان گوستاو آدولف در مرکز شهر حرکت کردند. شرکت کنندگان با پلاکارد های کارگران جهان متحد شوید، زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی طبقه کارگر و عکس های رهبران طبقه کارگر، مارکس، انگلس و لنین بصورت چشمگیری در تظاهرات حضور بهم رساندند و توجه شرکت کنندگان را به خود جلب کرده بودند. شعارهایی که بیشتر در تظاهرات سر داده شدند عبارت بودند از: "همبستگی بین المللی طبقه کارگر"، "خیابان ها و میادین گوتنبرگ جای راسیست ها نیست"، "با تمام قدرت علیه راسیسم"، "نه به عضویت سوئد در ناتو". این ها شعار هایی بودند که در خیابان های شهر گوتنبرگ طنین انداز شدند.

تشکل های مستقل کارگری، حق مسلم کارگران است!
پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!
کارگران جهان متحد شوید!

فعالین چریک های فدایی خلق ایران / گوتنبرگ - سوئد
پنجم ماه مه ۲۰۱۸ برابر با پانزدهم اردیبهشت ۱۳۹۷

گزارش مراسم روز جهانی کارگر در شهر کاسل



در اول ماه مه امسال، شهر کاسل شاهد راهپیمایی و تجمع فعالین کارگری و تعداد زیادی از نیروها و سازمان های سیاسی و انسان های انقلابی پیشرو و آزاده برای بزرگداشت این روز مبارزاتی بود. راهپیمایان با تجمع در میدان شهر (Königsplatz)

شرایط موجود در جمهوری اسلامی، وضع طبقه کارگر و زحمتکشان، شرایطی که به زنان و جوانان تحمیل شده است، پرسیده و با ما گفتگو کردند.

**پیروز باد همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان!
سرنگون باد سرمایه داری جهانی و سگهای زنجیری آن!
نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم
جمهوری اسلامی ایران!**

**با ایمان به پیروزی راه چریکهای فدایی خلق ایران
سازمان هواداران چریکهای فدایی خلق ایران در استکهلم
- سوند، ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷**

گزارشی از مراسم روز جهانی کارگر در نیویورک



امسال در اول ماه مه ۲۰۱۸، نیویورک شاهد برگزاری روز جهانی کارگر در چند میدان بزرگ شهر بود. برای نمونه در میدان یونیون اسکوئر نیویورک، مجموعه ای از نیروهای کارگری و چپ و مترقی گرد هم آمدند تا روز جهانی کارگر (اول ماه مه) را گرامی بدارند. مراسم میدان یونیون اسکوئر در ساعت سه بعد از ظهر شروع شد و با گذشت دو ساعت از آغاز میتینگ، حدود ساعت پنج عصر جمعیت به سمت نیویورک یونیورسیتی راهپیمائی کرده و حدود ساعت شش بعد از ظهر مراسم به پایان رسید.

نیروهای سندیکالیست عضو اتحادیه های کارگری که غالباً از کارگران لاتین تبار بودند و فعالین کارگری و سیاسی از کشورهای مختلف آمریکای مرکزی و جنوبی همراه با جمع نسبتاً سازمان یافته و منسجمی از دانشجویان فلسطینی با پرچم فلسطین و شعارهایی چون زنده باد اول ماه مه و استقلال و آزادی حق مسلم خلق فلسطین است، ترکیب اصلی شرکت کنندگان را تشکیل می دادند. علاوه بر آنها، جریانات چپ از نخله ها و گرایشات مختلف فکری چون گرایشات مائوتستی و تروتسکیستی و از جمله جریان موسوم به اسپارتاکیستها و جریانات مارکسیست لنینیستی حضور داشتند.

همچنین عناصر منفردی از ملیت های عرب زبان خاورمیانه چون مصری ها حضور داشتند که بیشتر حول و حوش فلسطینیها می ایستادند. از ترکیه چند نفری شرکت داشتند که پلاکاردهایی با مضمون اردوغان سرکوبگر جنبش کارگری است در دست داشتند و همچنین فعالین چفخا با آرم بزرگ سازمان و تصاویر بنیانگذاران سازمان، رفقا مسعود احمدزاده و امیرپرویز پویان و عباس مفتاحی در درون آرم، از زمره شرکت کنندگان بودند؛ متأسفانه از سایر ایرانیان در این میتینگ و راهپیمائی خبری نبود.

میتینگ با سخنرانی چند تن از فعالین چپ از جریانات مختلف و از جمله کارگران لاتین تبار که به زبان اسپانیولی صحبت کرده و بلادرنگ به انگلیسی ترجمه می شد، شروع شد. پس از پایان سخنرانی ها، جمعیت به سمت دانشگاه نیویورک راهپیمائی کردند.

در طول مسیر راهپیمائی، شعارهایی عمدتاً به دو زبان انگلیسی و اسپانیولی سر داده شد. شعار هائی همچون "زنده باد اول ماه مه"، "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، "مردم متحد شکست ناپذیرند"، یا "یک تلاش یک جنگ، کارگران جهان متحد شوید". در طول راهپیمائی هر کجا پلیس مزاحمت ایجاد می کرد جمعیت شعار "محله، متعلق به کیه؟ محله، متعلق به ما ست" را سر می دادند. مراسم اول ماه مه در شرایطی در شهر نیویورک برگزار شد

گزارشی از مراسم روز کارگر سال ۱۳۹۷ در استکهلم - سوئد



امسال نیز همانند سالهای گذشته، در روز اول ماه مه ۲۰۱۸ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷) رفقای مبارز و فعالین سازمان هواداران چریکهای فدایی خلق ایران در سوئد در شهر استکهلم، در کنار و در زیر پرچم و باندول چریکهای فدایی خلق ایران، به همراه بسیاری از سازمانها، نیروها و انسانهای انقلابی، پیشرو و آزاده به فراخوان برخی از احزاب و جریانات گوناگون کمونیست و چپ پاسخ مثبت داده و در چند مراسم و تظاهرات که از جانب آنان برگزار شد، شرکت نموده و با پخش اعلامیه روز جهانی کارگر چریکهای فدایی خلق ایران به زبانهای فارسی و سوئدی، به پخش نظرات سازمان و افشای سرمایه داری جهانی و سگهای زنجیری آن و حمایت از مبارزات توده های تحت ستم مبادرت ورزیدند.

در سپتامبر امسال (۲۰۱۸) انتخابات پارلمانی سوئد برگزار خواهد شد و از این رو مراسم روز کارگر امسال رنگ و بویی به نشانه انتخاباتی که در راه است به همراه داشت. در سخنرانی هایی که امسال در ارتباط با روز کارگر به عمل آمد، سخنرانان در کنار دفاع سرسخت از مبارزات توده های تحت ستم و در راس آنان طبقه کارگر در سوئد و دیگر کشورهای جهان از جمله به مسائلی همانند جنگ جاری در سوریه، فعالیتهای هدایت شده و ضدانقلابی جریاناتی مانند داعش، تروریسم بین المللی، جنگ تحمیلی در سوریه، وضع اسفناک پناهجویان در گوشه و کنار جهان، سد هر چه بلندتری که کشورهای عضو اتحادیه اروپا در برابر پناهجویان ایجاد کرده اند و همکاری آشکار و پنهان اتحادیه اروپا با حکومت دیکتاتوری و ضد خلقی ترکیه پرداختند.

یکی از محورهای سخنرانیها در مورد پناهندگان و پناهجویان، شرایط زندگی و امرار معاش افرادی که از اروپای شرقی برای بهتر کردن شرایط زندگی خود به سوئد آمده اند و جو بسیار بدی که این روزها وابستگان به جریانات راست، فرصت طلب، نژادپرست و نازیست در کشور به وجود آورده اند، بود. یکی از سخنرانان بخش بزرگی از سخنان خود را بر محور نشان دادن همبستگی با این ستم دیدگان استوار کرده و از آن شرایطی گفت که سرمایه داری در گوشه و کنار جهان بر توده ها تحمیل کرده و باعث آوارگی و فقر شدید گشته است.

محور دیگری از سخنرانیهای در مورد مبارزه برای تلاشهایی که برای عضو کردن سوئد در پیمان نظامی ناتو به عمل می آید بود و در کنار "نه گفتن" به این تلاشها خواست بیرون آمدن سوئد از اتحادیه اروپا نیز مطرح گردید. بیشتر سخنرانان این مراسم به قدرت گرفتن هر چه بیشتر نیروهای ماورای راست، راست و پوپولیست در اروپا و ایالات متحده آمریکا پرداخته و در مورد خطرات قدرت گیری این نیروها صحبت کردند.

بخش بزرگی از سخنرانان این مراسم در مورد بیرون کردن شرکتها و مؤسسه های که برای رسیدن به سود اقتصادی وارد فعالیت در زمینه های آموزشی و بهداشتی شده اند به صحبت پرداخته و خواستار آن شدند که بخش خدمات اجتماعی در محدوده برداشت سود اقتصادی قرار نداشته باشد.

از دیگر خواسته های مطرح شده در این مراسم برداشتن گامهای جدی تر و موثرتری در راه رسیدن به تقلیل ساعات کار روزانه به شش ساعت بود.

در دست داشتن باندول سازمان و تصاویر بسیار و کوبنده ای که در آن به تصویر درآمده اند، دلیلی دیگر برای آن شده بود که افراد بسیاری از ملیتهای گوناگون به سوی ما آمده و درباره سازمان،

خلق ایران در اسلو که اعلامیه سازمان به مناسبت روز جهانی کارگر را به زبان های فارسی، گُردی و انگلیسی بین تظاهرکنندگان نروژی و سازمان های چپ ایرانی و ملیت های دیگر توزیع کردند. مراسم روز جهانی کارگر در ساعت دو بعد از ظهر با نواختن سرود انترناسیونال به پایان رسید.

زنده باد اول ماه مه!

نابود باد نظام سرمایه داری! پیروز باد انقلاب!

زنده باد سوسیالیسم!

فعالین چریک های فدایی خلق ایران در اسلو - نروژ

۴ ماه مه ۲۰۱۸

تظاهرات روز جهانی کارگر در لندن



به مناسبت فرارسیدن روز جهانی کارگر، روز سه شنبه اول ماه مه ۲۰۱۸، طبق معمول هر سال، راهپیمایی بزرگی در لندن برگزار شد.

در تظاهرات اول ماه مه امسال، نمایندگان برخی از اتحادیه های کارگری، تشکلهای سازمانهای ضد جنگ و ضد سرمایه داری به همراه ده ها سازمان و حزب چپ و کمونیست از ملیت های مختلف شرکت کرده بودند. دولت انگلیس به مثابه یکی از دولتهای بزرگ سرمایه داری، روز اول ماه مه را به عنوان تعطیل رسمی برسمیت نمی شناسد و همین امر یکی از مطالبات طبقه کارگر انگلستان را تشکیل می دهد که خواهان تعطیل شدن رسمی این روز به عنوان سمبل برجسته تاریخی مبارزات کارگران دنیا برای ساختن یک جامعه دموکراتیک و انسانی می باشد. تظاهر کنندگان به سنت هر سال برای ادای احترام به مارکس رهبر کبیر پرولتاریای جهان، در مقابل کتابخانه مارکس واقع در منطقه "فرینگدون" لندن جمع شدند و پس از چند سخنرانی کوتاه مارش خود را به سوی میدان "ترافلگار اسکوئر" در مرکز شهر آغاز نمودند. راهپیمایان در طول مسیر تظاهرات شعارهایی علیه نظام ظالمانه سرمایه داری و در دفاع از حقوق طبقه کارگر سر دادند که برخی از آنها به شرح زیر بود "زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر"، "مرگ بر نظام سرمایه داری"، "زنده باد انقلاب"، "کارگران متحد شکست نمی خورند"، "در مقابل فاشیسم متحد شویم"، "تنها راه انقلاب است" و ... صدها پرچم سرخ حاوی نشان داس و چکش و همچنین تصاویر بزرگ رهبران طبقه کارگر نظیر مارکس و انگلس و لنین و ... در دستهای شرکت کنندگان در تظاهرات به اهتزاز درآمده بود و به مارش تظاهرکنندگان جلوه خاصی داده بود. بسیاری از رهگذران با تکان دادن دستهای خود همبستگیهای خود را با تظاهرکنندگان و اهداف و شعارهای آنها اعلام می کردند. جریانات و احزاب سیاسی ایرانی نیز در این تظاهرات شرکت داشته و با سردادن شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و کارگران زندانی باید آزاد شوند، می کوشیدند که صدای کارگران ایران را به گوش جهانیان برسانند. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران با حمل پرچمهای سازمان و بنر بزرگی حاوی شعار زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر در این تظاهرات شرکت کردند. همچنین اعلامیه های سازمان به مناسبت روز جهانی کارگر به زبان انگلیسی در میان جمعیت پخش شد. در تظاهرات امسال نسبت به سال گذشته جمعیت بیشتری شرکت کرده بود که به نوبه خود بیانگر موفقیت مارش روز جهانی کارگر در شهر لندن بود.

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در انگلستان

اول ماه مه ۲۰۱۸

که در ایالات متحده آمریکا، دولت این کشور این روز را به عنوان روز جهانی کارگر به رسمیت نمی شناسد. دولت آمریکا با برسمیت نشناختن این روز جهانی در تلاش است تا در همبستگی کارگران جهان افتراق ایجاد کند. آنها به جای اول ماه مه، اولین دوشنبه ماه سپتامبر هر سال را به عنوان "روز ملی" کارگر و در واقع روز کارگران آمریکایی در نظر گرفته اند تا به این وسیله در همبستگی کارگران جهان با کارگران آمریکا اخلاف ایجاد کنند. اما در تقابل با این سیاست ضد کارگری دولت آمریکا، نیروهای فعال جنبش کارگری و سایر نیروهای چپ و مترقی این روز را در شهرهای مختلف آمریکا با برگزاری میتینگ و راهپیمایی گرامی می دارند. به امید این که این تلاشها سرانجام سبب شود که کارگران آمریکا نیز همانند کارگران بقیه کشورها، همزمان با آنها روز جهانی کارگر را جشن گرفته و قدرت رزمندگی خود را در این روز به نمایش بگذارند.

کارگران جهان متحد شوید!

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در آمریکا - نیویورک

سوم ماه مه ۲۰۱۸

گزارشی از مراسم روز جهانی کارگر در اسلو نروژ



روز سه شنبه اول ماه مه ۲۰۱۸، مراسم روز جهانی کارگر، همچون سالهای گذشته در شهر اسلو برگزار شد. از آنجا که این روز در نروژ تعطیل رسمی است و مراسم روز کارگر بطور رسمی برگزار می شود، جمعیت بزرگی از مردم در این مراسم شرکت می کنند. در حالیکه تظاهرات امسال در هوای نسبتاً سرد که در برخی نواحی توام با برش برف و باران بود برگزار می شد، اما بر اساس برخی گزارشها، تقریباً هشتصد هزار نفر در مراسم امسال شرکت داشتند. واقعیت این است که مردم در این روز با پایکوبی و نواختن موزیک سعی می کنند این مراسم را هر چه با شکوهتر و به مثابه یک جشن ملی برگزار نمایند.

مراسم روز جهانی کارگر در ساعت دوازده ظهر در میدان کارگر شهر اسلو با نواختن سرود انترناسیونال شروع شد و تظاهر کنندگان با خواندن سرود، موزیک را همراهی می کردند. بعد از آن سخنرانی ها شروع شد که حدوداً یک ساعت به طول انجامید. سخنرانها که بیشتر نمایندگان اتحادیه های کارگری و سازمان ها و احزاب چپ و ارگان های مختلف بودند، ضمن سخنرانی مواضع و مطالباتشان را مطرح نمودند و یا با خواندن اطلاعیه های خود به تشریح مواضعشان پرداختند.

بعد از سخنرانی ها جمعیت شروع به راهپیمایی کرد. در طول راهپیمایی، گروه های موزیک در سراسر صفوف تظاهر کنندگان با نواختن موزیک انترناسیونال و رقص زیبای اکروباتیک دختران جوان نروژی، به مراسم شور خاصی داده بودند. امری که باعث شده بود مردم کنار خیابان با گرفتن عکس و فیلم احساسات خودشان را ابراز نمایند. از روی شعار هائی که داده می شد و سخنرانی هائی که شد، خواست و مطالبات سازمان ها و احزاب شرکت کننده عبارت بودند از ایجاد شغل برای همه، رفع بیکاری، حمایت از حقوق بازنشستگان و سالمندان و حمایت از پناهجویان و عدم اخراج پناهندگان و همچنین کمکهای بیشتر برای سرویس های تامین اجتماعی. شعار هائی که در طول راهپیمایی بیشتر شنیده می شدند: زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم و زنده باد روز اول ماه مه بودند.

در تظاهرات امسال، جریانات سیاسی متعلق به ملیتهای مختلف از جمله ایرانیان شرکت داشتند؛ از جمله فعالین چریکهای فدایی

گزارشی از مراسم روز جهانی کارگر در استوانگر نروژ



در گرمی داشت روز جهانی کارگر (اول ماه مه ۲۰۱۸)، مانند سال های گذشته اتحادیه های کارگری و تشکل های مختلف کارگری و چپ به همراه بنرها و پلاکاردهای خود در مقابل "خانه مردم" شهر استوانگر نروژ دست به تجمع زده و با پخش اعلامیه های خود، خواهان همراهی دیگر افشار جامعه برای دست یابی به حقوق حقه خود شدند.

ساعت دوازده و نیم بعد از ظهر، راهپیمایی شرکت کنندگان در مراسم بزرگداشت روز جهانی کارگر به سمت "پارک شهر" شروع شد و اتحادیه های مختلف با پرچم های خود به همراه نواختن مارش کارگری به سوی محل سخنرانی حرکت کردند. در طول مسیر راهپیمایی تا محل سخنرانی، مردم در دو طرف خیابان ایستاده بودند و از شرکت کنندگان در مراسم تجلیل کرده و عکس و فیلم می گرفتند. نکته قابل توجه در راهپیمایی امسال حمایت مردم از خلق فلسطین بود؛ به این صورت که دسته ای از شرکت کنندگان با بنری تحت عنوان "اسرائیل را بایکوت کنید، رهایی برای فلسطین" حضور داشتند که تعداد قابل ملاحظه ای از تظاهر کنندگان در حمایت از مردم بی دفاع و تحت ستم فلسطین، پشت این بنر به همراه پرچم های فلسطین ایستاده و شعار روی بنر را تکرار می کردند. یکی از نکات جالب این تظاهرات این بود که مدافعان خلق فلسطین مورد استقبال مردم قرار گرفته و در مسیر راهپیمایی تعداد زیادی از افراد تماشاچی، به صف آن ها می پیوستند و حمایت خود را از خلق مظلوم فلسطین اعلام می کردند. در محل سخنرانی هم طبق برنامه ریزی همه ساله افرادی از نمایندگان اتحادیه های کارگری، پشت تریبون حاضر شدند و نظرات خود را در حمایت از طبقه کارگر و افشای ستم هایی که از جانب دولت های حامی سرمایه داری بر کارگران اعمال می شود را با تظاهرکنندگان در میان گذاشتند. سخنرانان از دستمزد پایین، بیکاری، قراردادهای ناپایسته کاری، شرایط سخت کار برای زنان (در مورد بارداری و کمی دستمزد کارگران زن نسبت به همکاران مرد آنها) و... گرفته تا اعتراض به بی توجهی برخی از مردم به سیاست های دولت و نیاز به تغییر دولت به صورت جدی، در این مراسم صحبت شد. سخنرانان، همچنین انزجار خود را از جنگ های امپریالیستی که سراسر دنیا را تحت تاثیر خود قرار داده و موجب کشته و زخمی شدن و آوارگی توده های کشورهای مختلف از جمله سوریه، فلسطین و... شده است فریاد زده و خواستار عدم ارسال سلاح به آن مناطق و پایان دادن به این جنگ های ضد خلقی شدند. سخنرانان همچنین از شرایط سختی که پناهجویان با آن روبه رو هستند سخن گفتند و خواستار رسیدگی هر چه سریع تر به وضعیت آن ها بودند. جالب بود که این سخنان هر بار با تشویق های شدید شرکت کنندگان مواجه شده، بطوری که صحبت های سخنرانان بار ها قطع می شد.

فعالین چریک های فدایی خلق ایران نیز با پلاکارد مخصوص خود در این مراسم شرکت کرده و حمایت خود را از کارگران و زحمت کشان سراسر دنیا به ویژه کارگران تحت ستم ایران اعلام کردند. آنها با پخش نظرات خود خواستار اتحاد همه کارگران برای رهایی از چنگال استثمار و استبداد سرمایه داری حاکم بر ملت ها شدند. مراسم امسال روز جهانی کارگر با اجرا و همخوانی سرود انترناسیونال توسط شرکت کنندگان در این مراسم به پایان رسید.

کارگران جهان متحد شوید!

فعالین چریک های فدایی خلق ایران استوانگر - نروژ

۱ مه ۲۰۱۸ - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۷

گزارشی از مراسم اول ماه مه در سیدنی - استرالیا



امروز یکشنبه ۶ ماه مه ۲۰۱۸، بر طبق روال همه ساله در سیدنی مراسم روز کارگر که در اولین یکشنبه ماه مه انجام میگردد، برگزار شد. در این راهپیمایی که بیشتر از طرف اتحادیه های کارگری سازمان داده میشود بیش از سه هزار نفر شرکت داشتند. امری که در مقایسه با سالهای قبل نشانگر رشد کمی شرکت کننده گان در مراسم روز جهانی کارگر بود. در سالهای اخیر از طرف چند اتحادیه کارگری تلاش شده جایگاه این روز بعنوان روز تفریح و پیک نیک و موسیقی برای خانواده ها تبلیغ گردد و این امر به طور طبیعی، خود موجب شرکت تعداد بیشتری از مردم در این مراسم شده بود. گرچه بیشتر اتحادیه های کارگری تنها خود را به خواسته های صنفی محدود کرده اند، ولی شعارهای رادیکال نیز از طرف بخشی از شرکت کنندگان در این تظاهرات داده میشود.

بخشی از خواسته ها شامل راکد ماندن و کند بودن سطح رشد حقوق و مزایای کارگران است و مقایسه ارقام نشان می دهد که در هفتاد سال گذشته رشد دستمزدهای کارگران در سطح نازلی صورت پذیرفته است. در مقابل، افزایش سطح نابرابری درآمدها، بالا رفتن درصد قراردادهای موقت کار، نابرابری درآمد بین زنان و مردان و همچنین به رسمیت شناختن حق اعتصاب که در دو دهه گذشته محدودتر و قانونا بسیار مشکل تر گشته است، بخش دیگری از خواسته های تظاهر کنندگان را تشکیل می داد. بخش دیگری از مطالبات به مساله ایجاد محدودیتهای بیشتر دولتی در مورد انتقال افراد کم درآمدی که از خانه های دولتی استفاده میکنند، به این مکان ها بود. دولت ایالتی خصوصا در چند سال گذشته بسیاری از خانه های دولتی را بخاطر بالا رفتن قیمت مکانهای قدیمی به نقاط دورتر منتقل کرده است. در نتیجه ساکنان این خانه ها که افراد مسن هستند با این تغییرات تحت فشارهای بیشتر قرار گرفته و به دلیل دور شدن خانه هایشان و طولانی شدن مسافت ها ارتباطشان با دوستان و آشنایان خود بسیار کم ویا کلا قطع شده و این انتقالات با فشار روحی بیشتر بر این قشر آسیب پذیر جامعه همراه بوده است. در بسیاری از موارد انتقال ساکنان خانه های سالمندان به محل های جدید با تهدید و فشار دولت صورت گرفته ولی مقاومت آنان و حمایت نیروهای چپ و چند اتحادیه کارگری از این قشر، این سیاست ضد مردمی برای طبقه حاکم را با مشکل مواجه ساخته است. در حال حاضر چند تن از این افراد با دستگیری و پرونده سازی توسط پلیس در دادگاه ها مورد تعقیب قانونی قرار گرفته اند.

در راهپیمایی امسال بسیاری از نیروهای چپ از کشورهای متفاوت نیز شرکت کرده و با پخش اعلامیه هایشان در میان شرکت کنندگان و مردم در مسیر حرکت راجع به اوضاع و شرایط سیاسی و اقتصادی کشورهای خود اطلاع رسانی کرده و در رابطه با سیاستهای دولتهای سرمایه داری افشاگری میکردند. نیروهای متفاوت ایرانی نیز در این روز با شرکت در راهپیمایی اول ماه مه به پخش نشریات و نشر مواضع خود پرداختند. نیروهای چپ و رادیکال نیز که بخش بزرگی از شرکت کنندگان را تشکیل می دادند، در روز جهانی کارگر عمدتا با شعارهای رادیکال علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم در تظاهرات شرکت فعال داشتند.

فعالین چریکهای فدایی خلق نیز در این راهپیمایی شرکت داشته و چه در گردهمایی های پیش از آغاز تظاهرات و چه در مسیر حرکت و همچنین در تجمعات پایانی این تظاهرات با مردم

محکم در مقابل این رژیم جنایتکار ایستاده و آن را وابسته به امپریالیسم می داند، ضمن تشکر از فعالیتهای سازمان کرد و آرزوی موفقیت برای چریکهای فدایی خلق نمود. مراسم اول ماه مه که از ساعت ۹ صبح شروع شده بود تا ساعت ۱۳ ادامه یافت. تعداد تظاهر کنندگان راهپیمایی چپ ها چند هزار نفر بودند. در جریان مراسم، موزیک توسط گروه های هنری نواخته شد و در پایان راه پیمایی در مقابل Votivkirche گفتگو در بین تجمع کنندگان ادامه داشت.

نابود باد نظام سرمایه داری!

زنده باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در وین - اتریش
۲ ماه مه ۲۰۱۸

گزارشی از راهپیمایی روز جهانی کارگر در تورنتو - کانادا



در روز سه شنبه اول ماه مه ۲۰۱۸، در بزرگداشت روز جهانی کارگر تظاهرات و راهپیمایی های متعددی در مناطق مختلف شهر تورنتو در کانادا برگزار شد که با استقبال تعداد زیادی از فعالین کارگری و مردم آزادیخواه و مبارز این شهر روبرو گردید. یکی از این حرکات در فضای سبز مقابل ایستگاه فینچ غربی برگزار شد که تعداد زیادی از فعالین چپ در آن شرکت داشتند. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در شهر تورنتو که از روزهای قبل فراخوانی جهت شرکت وسیع تر در این راهپیمایی منتشر نموده بودند، فعالانه در این تظاهرات شرکت داشتند. آنها با پخش اطلاعیه ای به زبان انگلیسی در محل تظاهرات، وضعیت اسفبار کارگران در ایران تحت حاکمیت دیکتاتوری سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را به اطلاع مردم رساندند. رفا علاوه بر فریاد زند شعارهای عمومی تظاهرات که علیه سرمایه داری و امپریالیسم بود، شعارهای سازمان علیه رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را نیز به زبان انگلیسی و فارسی بر روی پلاکاردها و بنرهائی نوشته و حمل می کردند. این راهپیمایی با شعارهای رادیکال و موجب جلب توجه عابری و مسافری اتوبوسها در این منطقه که عموماً محله ای کارگری و دانشجویی است، شده بود. در جریان راهپیمایی تظاهرکنندگان همبستگی خود را با اعتصاب استادیار ها و دانشجویهای دانشگاه یورک (واقع در منطقه تظاهرات) نیز اعلام کردند. فریاد شعارهای رادیکال و ضد امپریالیستی که با استقبال اکثر عابری روبرو می شد، موفقیت راهپیمایی اول ماه مه را سبب شد؛ به خصوص که اهالی محل، مردمی از نژادهای مختلف ساکن کانادا هستند که از وضعیت اقتصادی و سیاستهای ضدکارگری دولت کانادا خسته شده و همچنین با شرکت دولت دست راستی کانادا در جنگ های امپریالیستی مخالفند و خواهان تغییر وضع موجود می باشند. در همین روز تظاهرات ضدامپریالیستی مشابهی به مناسبت روز جهانی کارگر در شهر مونترال برگزار شد که به درگیری تظاهر کنندگان با پلیس و دستگیری بیش از ۵ نفر از تظاهرکنندگان انجامید. خصلت ضدامپریالیستی تظاهرات اول ماه مه امسال نشاندهنده تغییر بزرگی در جو سیاسی جامعه کانادا و افزایش آگاهی ضدامپریالیستی جوانان و طبقه کارگر این کشور است، واقعیتی که مسلماً به اوج گیری مبارزات انقلابی هر چه بیشتر در آینده ای نزدیک منجر خواهد شد.

پیروز باد همبستگی کارگران در سراسر جهان

فعالین چریکهای فدائی خلق ایران در تورنتو - کانادا

دوم مه ۲۰۱۸

در رابطه با شرایط کارگران، زنان و مردم ایران تحت سلطه حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی، به صحبت پرداخته و با پخش اعلامیه های سازمان به زبانهای انگلیسی، فارسی، کردی و ترکی، به توضیح مواضع سازمان در مسائل ایران و جهان دست زدند.

مرگ بر نظام سرمایه داری!

زنده باد روز جهانی کارگر!

هواداران چریکهای فدایی خلق ایران در استرالیا

۶ می ۲۰۱۸

وین: روز جهانی کارگر در مبارزه علیه امپریالیسم گرامی باد!



در روز سه شنبه اول ماه مه ۲۰۱۸، تظاهراتی به مناسبت روز جهانی کارگر، توسط بسیاری از احزاب و گروه های سیاسی چپ و کمونیست در وین برپا شد. قبل از شروع راهپیمایی در ساعت ۱۱ صبح، بسیاری از این نیرو ها با گذاشتن میز کتاب در طول مسیر راه پیمایی تظاهرکنندگان و پخش موزیک و همچنین پخش اطلاعیه سازمان خود، به آگاهی رسانی در بین مردم دست زدند. حزب سوسیال دمکرات که یکی از احزاب طبقه حاکم در اتریش است نیز به همراه فعالین سندیکاهای کارگری وابسته به این حزب در مسیری متفاوت از نیروهای چپ و مبارز اقدام به برگزاری راه پیمایی جداگانه کرده بودند. آنها طبق روال هر سال در ساعت ۸/۳۰ صبح از چهار نقطه شهر وین به طرف داخل شهر حرکت کرده و در مقابل ساختمان شهرداری گرد هم آمده و تجمع کردند. کریستین کرن رئیس حزب سوسیال دمکرات اتریش در مقابل تالار شهرداری در لابلای سخنان خود این طور اظهار داشت: "ما بر این سرمایه داری غلبه نخواهیم کرد!" این درحالی است که دولت نئولیبرالی اتریش به تدریج برنامه های رفاه اجتماعی را کاهش و در عوض ساعات کار روزانه را افزایش می دهد. واقعیت این است که در جامعه اتریش بحران نظام سرمایه داری همچنان ادامه دارد و هر چه بیشتر باعث فقر مردم می شود. تنی چند از سخنرانان تجمع کنندگان را به ایستادگی و مبارزه در برابر کاهش برنامه های رفاه اجتماعی که توسط دولت آبی و سیاه انجام می شود دعوت کردند و گفتند که ما باید با مبارزه در برابر حملات پوپولیستی دولت کورتز و اشتراخه مبارزه کنیم و تنها وحدت کارگران، این دولت را درهم خواهد شکست. از تمام سازمان ها و احزاب چپ خواستند که در مورد چگونگی سازماندهی مقاومت در مقابل فاشیسم و راست گرایی افراطی منسجم شوند! در این روز، فعالین چریکهای فدایی خلق با حمل پرچم و آرم سازمان در راه پیمایی اول ماه مه که از طرف نیروهای چپ و مترقی سازمان یافته بود، شرکت کردند. رفا همچنین با گذاشتن میز کتاب و پخش اطلاعیه به زبان های آلمانی، کردی، انگلیسی و فارسی در مورد وضعیت کارگران در ایران، زیر سلطه جمهوری اسلامی و مبارزات آن ها علیه این رژیم ضد کارگری آگاهی رسانی کردند. در این رابطه با تنی چند از بازدید کنندگان میز کتاب بحث هایی راجع به وضعیت ایران و سرکوب مردم توسط رژیم پیش آمد. رفا به سئوالات مراجعه کنندگان جواب می دادند و با توزیع اطلاعیه های سازمان و فروش کتاب و همینطور پخش اعلامیه اول ماه مه در مورد وضعیت نابسامان کارگران و زحمتکشان در ایران و ظلم و ستم به آنان توسط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مواضع سازمان را تبلیغ می کردند. یکی از بازدید کنندگان از میز فعالین چریکهای فدایی خلق با تایید این که چریکهای فدایی خلق تنها تشکیلاتی است که همچنان

در باره خروج ایالات متحده آمریکا از "توافق اتمی"



اسلامی را با سیاست اعمال تحریم بر سرمایه های دیگر نیروهای امپریالیست گره بزند که بر خلاف میل آمریکا همچنان قصد تداوم فعالیت در بازار ایران را دارند، آنگاه عملاً تضاد های خود با این نیرو ها را تشدید خواهد کرد. در هر صورت با توجه به وزن امپریالیسم آمریکا در مبادلات جهانی، برجام دیر یا زود به یک کاغذ پاره تبدیل خواهد شد و سرنوشت خفت بارتی در انتظار جمهوری اسلامی خواهد بود و البته نتایج فاجعه بار این بحران قبل از هر چیز گریبانگیر حیات کارگران و توده های محروم خواهد شد.

این وضعیت مرگبار حاصل مستقیم تداوم سلطه جنایتکارانه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر جان و مال خلقهای ستمدیده ایران می باشد. رژیم جمهوری اسلامی در تمامیت خود هیچ گاه جز ابزاری در دست امپریالیستها برای غارت و سرکوب و بازی با جان و مال مردم ایران نبوده و نیست. امروز، صرف نظر از عوامفریبی های آشکار مقامات امپریالیسم تبهکار آمریکا در توجیه اهداف حاکم بر تصمیم خود در رابطه با برجام و جدا از نمایش ورشکستگی و بی آبرویی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در این ماجرا، آنچه مهم است سرنوشت حیات میلیونها تن از مردم ایران و منطقه می باشد که به خاطر سیاستهای ضد خلقی امپریالیستها و نوکرانشان اکنون چشم انداز بس تیره و تاری در مقابل آنها قرار گرفته است.

مردم ستمدیده و مبارز ایران برای نجات از این وضع هیچ راهی جز مبارزه برای نابودی جمهوری اسلامی و تغییر شرایط به نفع خود توسط انقلاب توده های به پا خاسته ندارند. تنها با اتحاد مبارزاتی و تشکل و تسلیح توده های انقلابی ست که امکان برافکندن جرمومه جمهوری اسلامی و محو سلطه چپاولگرانه اربابان امپریالیست آن در ایران بوجود خواهد آمد و مردم ما خواهند توانست سرنوشت خود را به شیوه ای دموکراتیک و انقلابی و مستقل از امپریالیستهای جنایتکار بدست گرفته و خواسته های خود را تأمین کنند.

مرگ بر امپریالیسم!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم

جمهوری اسلامی!

پیروز باد انقلاب!

چریکهای فدایی خلق ایران

۹ ماه مه ۲۰۱۸

شب گذشته رئیس جمهور آمریکا، دونالد ترامپ از طریق امضای "فرمان اجرایی"، رسماً خروج دولت آمریکا از توافق هسته ای فی مابین کشورهای ۵ بعلاوه یک و جمهوری اسلامی، موسوم به برجام را اعلام کرد و در همان زمان وعده "اعمال شدیدترین تحریمها" علیه ایران را داد. رئیس جمهور آمریکا در توجیه این اقدام، فریبکارانه مدعی شد که توافق هسته ای موسوم به برجام یک توافق بسیار "بد" بوده و باعث جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی نمی شود و اقدام آمریکا با هدف ممانعت از دسترسی این رژیم به "سلاح اتمی"، تقویت "امنیت" و "صلح" انجام می شود. رئیس جمهور آمریکا در ادامه نیز با تهدید و خط و نشان کشیدن برای رقبای امپریالیست دولت آمریکا اخطار داد که کشورهای که به رژیم جمهوری اسلامی کمک کنند را نیز مورد برخورد و "تحریم" قرار خواهد داد. بلافاصله پس از اعلام این تصمیم، سفیر آمریکا در آلمان به شرکتهای آلمانی هشدار داد که زمان کاهش فعالیت آنها در ایران فرا رسیده و بهتر است ایران را ترک کنند.

متعاقب اعلام تصمیم ترامپ در خروج از برجام و عزم بر اعمال تحریمهای بیشتر علیه جمهوری اسلامی، رئیس جمهور رژیم، بر خلاف تهدیدات تو خالی رهبر جمهوری اسلامی در مورد "آتش زدن برجام" در صورت "پاره کردن" آن توسط آمریکا، به صحنه آمد و با خفت تمام تأکید کرد که حکومت با سرمایه گذاری روی حمایت سایر قدرتهای امپریالیستی مانند اتحادیه اروپا فعلاً در برجام باقی خواهد ماند.

اکنون با خروج دولت آمریکا از برجام و تهدید به تحریم جمهوری اسلامی، آنچه بیش از هر سناریویی مطرح است، دور جدیدی از تنشهای منطقه ای توسط امپریالیسم و سگان زنجیرش می باشد که پیامد اساسی آن، تعمیق بحران در خاورمیانه، تلاش برای گسترش حضور نظامی آمریکا و سایر تبهکاران بین المللی و مزدوران رنگارنگشان در این کانون بحرانی و احتمال فزاینده برخوردهای نظامی و حتی جنگ های جدید بین دولتهای منطقه خواهد بود که همگی درست در راستای سیاست های تجاوز کارانه امپریالیسم آمریکا در سطح بین المللی ست. اکنون برای کمتر کسی قابل انکار است که امپریالیسم آمریکا در شرایط تداوم و تعمیق بحران اقتصادی گریبانگیر خود بویژه در دو دهه اخیر برای کسب امتیازات اقتصادی بیشتر از رقبا و گسترش بازارهای خویش و تحمیل "رهبری" یعنی دیکته کردن سیاستهای مورد نظر خود در صفوف قدرتهای اعظم نظام سرمایه داری، بیش از پیش به خط گسترش بحران و میلیتاریسم روی آورده است. در اجرای این خط، یکی از پروژه ها، بازی با "کارت هسته ای" جمهوری اسلامی می باشد. این کارت، چه در زمان پیش از به اصطلاح توافق (برجام) و چه بعد از آن، ابزاری بوده که به رفع نیاز فوق برای امپریالیسم آمریکا خدمت کرده و خواهد کرد. تلاش برای تخفیف بحران اقتصادی گریبانگیر نظام اقتصادی آمریکا از طریق انتقال آن به شرکاء و نوکران آمریکا، تهدید و فشار بر رقبا و بحران سازی، تشدید مسابقه تسلیحاتی و فروش سلاح و لشکر کشی نظامی یکی از اساسی ترین ابزارهای پیشبرد چنین سیاستی ست.

بنابراین اقدام اخیر دولت آمریکا مبنی بر خروج از برجام، هیچ معنایی جز تلاش برای گسترش جو ناامنی و بحران و جنگ در منطقه ندارد که پیامد آن، سنگین تر شدن سایه شوم فقر و بیکاری و گرسنگی و وحشت بر زندگی فلاکت بار کارگران و زحمتکشان ایران و توده های تحت ستم منطقه خواهد بود. تا آنجا که به واکنش رقبا ی آمریکا در سطح بین المللی و شرکاء او در برجام باز می گردد، دولتهای آلمان و فرانسه و انگلستان با محکوم کردن خروج آمریکا از این توافق، بر عزم خویش نسبت به حفظ توافق هسته ای و اصلاح آن به صورتی که برای آمریکا قابل قبول باشد اصرار ورزیده و تأکید کرده اند که با باقی ماندن در برجام مطابق "منافع خود" عمل خواهند کرد.

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که با کمک امپریالیستها به قدرت رسیده، در طول چهل سال گذشته، با سرکوب انقلاب مردم، با آتش بیاری در ۸ سال جنگ امپریالیستی ایران و عراق، با پیشبرد بی وقفه سیاستهای دیکته شده اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، با به کوره آتش ریختن صدها میلیارد دلار از ثروتهای ملی در پروژه اتمی ضد مردمی، و بالاخره با نقش آفرینی دائم در کانونهای بحرانی ای که با کارگردانی کثیف ترین جناح های امپریالیستی جنگ طلب در منطقه به راه افتاده جاده صاف کن سیاستهای اربابان جهانی اش بوده است. برغم تمام این خدمات، این رژیم اکنون مجبور به پیمودن مسیر خطرناکی ست که بزرگترین قدرتهای جهانخوار بین المللی یعنی اربابان امپریالیستش برای او تعیین کرده اند.

در شرایط کنونی، جمهوری اسلامی به خاطر وابستگی تا مغز استخوان به قدرتهای امپریالیستی چاره ای جز حرکت در مسیری که اربابانش ترسیم کرده اند ندارد، اما همه می دانند که در صورتی که دولت آمریکا خروج از برجام و اعمال تحریم بر جمهوری

به حاد ترین اشکال اعتراضی بدل گردید که خود بر این واقعیت تاکید می کند که با رژیم می که جز زبان زور نمی شناسد ، جز با زور نمی توان سخن گفت.

واقعیت این است که ۴۰ سال حاکمیت ستمگرانه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و فشار های ناشی از فقر و گرسنگی و بیکاری و ستم و سرکوب اعمال شده توسط دیکتاتوری حاکم چنان انبار باروتی را در جامعه تحت سلطه ما بوجود آورده که هر جرقه ای در هر گوشه آن به هر بهانه ای که زده شود ، برای انفجار و به

آتش کشیدن این انبار کافی ست. روی این واقعیت باید تاکید کرد که ما امروز با شرایطی روبرو هستیم که کوچکترین موضوع اعتراضی در هر نقطه ای از کشور حتی اگر اعتراض به تقسیمات شهری بهانه و شروع کننده آن باشد، سریعاً به درگیری مردم به جان آمده با مزدوران رژیم تبدیل می شود. بر این اساس باید بین خشم و نفرت توده ها از رژیم و انگیزه واقعیشان در مخالفت با شرایط نکبت باری که جمهوری اسلامی برایشان ایجاد کرده است ، با لافاه ای که این خشم در پوشش آن بروز می کند تفاوت گذاشت و اسیر تبلیغات تفرقه افکنانه دستگاه تبلیغاتی رژیم سرکوبگر نشد که در هر مورد می کوشند با برجسته کردن عوامل ثانوی، عامل اصلی این انفجارات متناوب توده ای یعنی شرایط ظالمانه ای که نظام سرمایه داری وابسته بر کشور حاکم ساخته و جمهوری اسلامی با زندان و شکنجه و سرکوب به حفاظت از آن برخاسته را در حاشیه قرار دهند.

تجربه کشتار جمهوری اسلامی در کازرون و بگی و بندگی که این رژیم در پاسخ به اعتراضات مردمی راه انداخت بار دیگر نشان می دهد که با این رژیم جز از طریق اعمال قهر انقلابی نمی توان سخن گفت. چرا که دیکتاتوری حاکم را با حرف نمی توان به تمکین در مقابل مطالبات و اراده مردم واداشت. این امر تنها با سازماندهی مسلح توده ها و با انجام مبارزه مسلحانه جهت نابودی جمهوری اسلامی امکان پذیر است. شعار توده ای "وای به روزی که مسلح شویم" که مردم شجاع و دلیر کازرون نیز آن را در خیابانهای شهر فریاد زدند ، طرح چنین ضرورتی در جامعه تحت سلطه ما از زبان توده هاست.

نابود باد رژیم سرکوبگر و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

هر چه گسترده تر باد مقاومت مردم ستمدیده ایران!
چریکهای فدایی خلق ایران

۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ - ۱۷ ماه مه ۲۰۱۸



جمهوری اسلامی ، کازرون را به خون کشید!

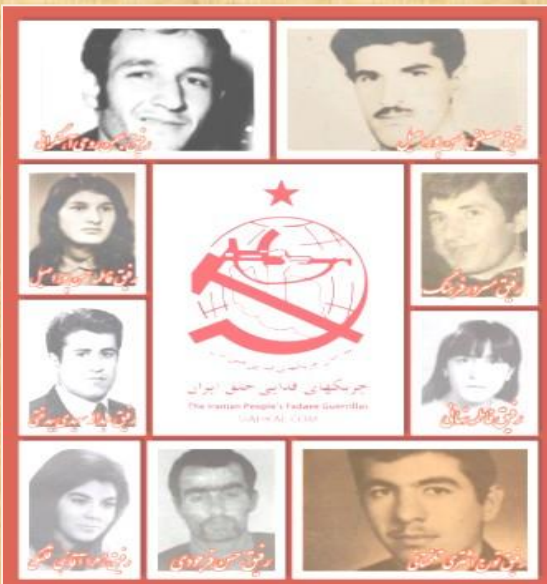
روز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۷ ، مردم ستمدیده شهر کازرون در ادامه مبارزات خود علیه رژیم جمهوری اسلامی که تحت پوشش اعتراض به طرح تجزیه و تفکیک این شهرستان آغاز شده بود، در میدان شهدای این شهر دست به تجمع و تظاهرات زدند. این تظاهرات که به شکل مسالمت آمیز برگزار شده بود با یورش نیرو های سرکوبگر جمهوری اسلامی مواجه گردید و طی آن نیرو های اطلاعاتی رژیم که سردمداران جمهوری اسلامی آنها را "سربازان گمنام امام زمان" می نامند تعداد زیادی از معترضین و از جمله جوانان را دستگیر کردند. اما با جو انقلابی ای که توده های مبارز ما بر جامعه حاکم کرده اند، این برخورد ددمنشانه نیرو های امنیتی جمهوری اسلامی باعث عقب نشینی مردم نشد.

حرکت بعدی توده های جان به لب رسیده از چهل سال حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، تجمع در برابر مرکز نیروهای انتظامی و امنیتی این شهر با تقاضای آزادی دستگیرشدگان بود. اما نیرو های سرکوبگر جمهوری اسلامی در آنجا نیز مردم معترض را مورد حمله قرار دادند که طی آن در اثر تیراندازی مزدوران حکومت، تعدادی از جوانان شهر کشته و مجروح و تعداد دیگری دستگیر شدند.

مردم رنجدیده کازرون که مانند سایر توده های محروم و گرسنه و به جان آمده در سراسر ایران کمرشان در زیر بار ظلم و بیدادگری های رژیم خم شده است، با دیدن وحشیگری و شدت سرکوبگری نیرو های جمهوری اسلامی که باعث کشته شدن چند تظاهرکننده و زخمی شدن تعداد دیگری شد ، به مقابله برخاسته و در جریان درگیری های شجاعانه شان، چنان درسی به مزدوران رژیم دادند که این جنایتکاران هرگز فراموش نخواهند کرد. تصاویری که از محل درگیری در شبکه های اجتماعی منتشر شده است ، نشان می دهند که این توده های سرشار از خشم و کینه نسبت به جمهوری اسلامی ، از چه پتانسیل انقلابی برخوردار بوده و با چه شجاعتی با آن مزدوران جنگیدند. ماشین های سوخته نیروی سرکوب جمهوری اسلامی در این تصاویر و خیابانهایی که در واقع صحنه یک جنگ نابرابر ولی تمام عیار بوده است، بیانگر این واقعیت می باشند.

در جریان درگیری های شبانه و روز بعد در شهر، توده های خشمگین ، پاسگاه نیروی انتظامی در فلکه بنیاد شهید را به آتش کشیدند. همه این واقعیات که با سردادن شعارهای توده ای نظیر "وای به روزی که مسلح شویم" توسط مردم به پا خاسته کازرون همراه بود، بروشنی نشان می دهند که اعتراضات مردم کازرون علیرغم ظاهر و پوشش اعتراض به تجزیه شهر خود، در واقع همچون بقیه اعتراضات و مبارزات مردم ستمدیده کشورمان، علیه ظلم و ستم و دیکتاتوری و سرکوب می باشد. درست به همین خاطر بود که مبارزه آنها در مقابل خشونت مزدوران رژیم خیلی زود

جاودان باد خاطره تمامی رفقای به خون خفته در صفوف چریکهای فدایی خلق ایران



گرامی باد روز جهانی کارگر!



کارگران مبارز ایران امسال در شرایطی به پیشواز روز جهانی خود، اول ماه مه می روند که هنوز چند ماه بیشتر از جنبش انقلابی دیماه ۱۳۹۶ جهت سرنگونی رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و از میان بردن سیستم سرمایه داری وابسته نمی گذرد. بر پا کنندگان اصلی این جنبش، اردوی کار بود.

صف گسترده ای از کارگران شاغل، کارگران اخراجی و ارتش ذخیره کار که همانا انبوه جوانان بیکاری هستند که به دلیل شدت گیری بحران های لاعلاج سیستم سرمایه داری و تعطیلی کارخانجات و مؤسسات تولیدی دست به گریبان فقر و فلاکت هستند، آری همه اینها که جز زنجیرهای پایشان چیزی برای دست دادن ندارند، در طی روزهای پرشور خیزش دیماه با مبارزات قهرمانانه و تا پای جان خود، ارکان ستم و استثمار دشمنان خود را با شدت هر چه تمامتر به لرزه در آوردند. اردوی کار در این پیکار شکوهمند، متحدین خود یعنی قشر وسیع زحمتکش از هستی ساقط شده (به دلیل استثمار و ظلم بی حد سرمایه داران) و همچنین دیگر فشرهای تحت ظلم و ستم سیستم سرمایه داری وابسته حاکم در ایران را نیز در کنار خود داشت. این ستمدیدگان در روزهایی که جشن آنان بود با قدرت خود رعشه بر اندام رژیم دیکتاتور و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی انداختند و فضای سیاسی جامعه را به طور کامل به نفع پیشبرد مبارزه جهت از بین بردن روبنای سیاسی حاکم و برهم زدن نظم اقتصادی-اجتماعی موجود دگرگون نمودند که به یقین در خدمت هموار کردن راه رسیدن به جامعه ایده آل کارگران و زحمتکشانی یعنی سوسیالیسم قرار دارد. این موفقیت را باید به کارگران انقلابی ایران تبریک گفت.

در این روز گرامی که روز کارگران در سراسر جهان علیه سرمایه داران و سیستم استثمارگرانه و ظالمانه آنهاست، اگر نگاهی به شرایط کار و زندگی کارگران خود بیندازیم با تصویر بسیار دهشتناکی که ناشی از وجود سیستم سرمایه داری وابسته در ایران می باشد مواجه خواهیم شد.

امروز در جامعه ایران عدم پرداخت مزد به طور کامل به کارگران به صورت امری رایج در آمده است، به طوری که گاه دیده می شود که کارگران تا ۱۲ ماه حقوق پرداخت نشده از کارفرمای خود طلبکارند و یا سرمایه دار، کارگران را از حق بیمه و برخی دیگر از حقوق شان برای سالها محروم ساخته و پول جمع شده را به حساب بانکی خود ریخته است. تازه این محرومیت و چنین فشار وحشتناک اقتصادی که گرسنگی و فقر و مصائب دیگر را بر زندگی کارگران مستولی ساخته و آنها را به روز سیاه نشانده در شرایطی است که حداقل مزد تعیین شده که هر از چند گاهی به کارگران پرداخت می شود به هیچوجه با تورم موجود در جامعه و مهمتر هزینه زندگی یک خانواده کارگری همخوانی ندارد. دردناکی این وضع زمانی بهتر درک می شود که بدانیم در اسفند ماه امسال و پس از تصویب حداقل حقوق کارگران برای سال ۱۳۹۷، حداقل دستمزد تعیین شده در ایران از سوی دولت، یک چهارم خط فقر تعیین گردیده است. یعنی اگر کارفرما همه حقوق کارگر را هم بپردازد - که البته نمی پردازد- باز هم او در فقر و فلاکت دست و پا خواهد زد.

با توجه به واقعیت فوق، امروز در مبارزات کارگری در ایران مبارزه برای کسب دستمزدهای پرداخت نشده در الویت قرار دارد. این امر باعث شده است که بطور طبیعی بیشتر مطالبات بر حق کارگری به حاشیه رانده شده و کارگران از مبارزه برای ارتقاء شرایط کار و معیشت خود باز بمانند، امری که نشاندهنده شرایط بسیار نامساعدی است که کارگران در مقابله با کارفرمایان در آن قرار گرفته اند.

پراکندگی صفوف کارگران در نتیجه سرکوب تلاش های آنان برای ایجاد تشکل های مستقل خود از طرف رژیم دیکتاتور حاکم-

ناجانی که چنان تلاش هائی، اغلب به زندانی کردن کارگران و شکنجه وحشیانه آنان منجر می شود- باز بودن دست سرمایه داران و رژیم حامی شان (جمهوری اسلامی) برای غارت و استثمار شدید کارگران در شرایط فقدان حتی یک سازمان صنفی از آن خود کارگران و همچنین وجود ارتش عظیم ذخیره کار یعنی سیل بیکاران برای استثمار بی حد و حصر و تحمیل شرایط کار و زندگی هر چه ظالمانه تر به کارگران، همگی بیانگر شرایط بسیار دشوار و نامساعد طبقه کارگر ایران می باشند.

اما فشار اقتصادی یک جنبه از فشارهای حاصل از جامعه تحت سلطه (امپریالیستها) ایران بر کارگران ما می باشد. فشارهای طاقت فرسایی نیز به مثابه فشارهای سیاسی از طرف رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر کارگران اعمال می شود.

واقعیت این است که کارگران ایران به خصوص مبارزترین و آگاه ترین آنها بیش از هر قشر و طبقه ای امروز در معرض حملات وحشیانه دستگاه ها و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی قرار دارند. روزی نیست که ایادی وزارت اطلاعات شبانه به خانه کارگران مبارز یورش نبرده و آنها را دستگیر نکنند. روزی نیست که کارگران مبارز از این یا آن دستگاه و ارگان مربوطه حکم معرفی دریافت نکنند که بازداشت و زندانی شدن آنان را در پی خود دارد. در چنین شرایطی که یوغ سرکوب و دیکتاتوری بیش از هر قشر و طبقه ای بر گردن کارگران قرار گرفته است، اما مبارزه آنان همچنان علیه سرمایه داران و رژیم دیکتاتور و سرکوبگر جمهوری اسلامی ادامه دارد. چرا که کارگران برغم سرکوبگری های جمهوری اسلامی، این سگ نگهبان نظم سرمایه داری وابسته حاکم، چاره ای جز تشدید مبارزات خود علیه سرمایه داران و نظم ظالمانه حاکم ندارند و این تنها وسیله ایست که به آنها امکان می دهد از زندگی و شرافت کارگری خود دفاع نمایند.

توجه به مبارزات کارگران ایران این نکته مهم را آشکار می کند که اگر چه مطالبه صنفی، کارگران را به صحنه مبارزه می کشاند ولی به دلیل حمایت آشکار حکومت جمهوری اسلامی از سرمایه داران، آنها مجبور می شوند مستقیماً با حکومت روبرو شده و جهت مبارزه خود را به سوی مبارزه علیه حکومت بکشانند. به این دلیل کارگران ایران برای کسب مطالبات صنفی خود به طور عموم دست به مبارزه سیاسی می زنند که در مواقع زیادی با حمله نیروهای مسلح رژیم به صف کارگران، این مبارزه سیاسی نیز به مبارزه قهر آمیز کارگران با رژیم منجر می شود.

تعمق در شرایط کار و زندگی کارگران ایران و این امر که آنها در شرایط شدیدترین دیکتاتوری ها که بر آنها اعمال می شود قادر به بهبود شرایط زندگی خود نیستند، این واقعیت را با برجستگی در مقابل کارگران ما قرار می دهد که سرنگونی جمهوری اسلامی اولین شرط رهایی آنها از شرایط طاقت فرسای کنونی است.

قیام دیماه "اردوی بیشمار کار" در سراسر کشور نیز نشان داد که وقتی هیچ بودگان برای گسستن زنجیرهای اسارتشان به پا می خیزند عجز و ناتوانی دشمنانشان بر همگان آشکار می شود. قدرت کارگران در تشکل آنان است. از این رو امروز وظیفه بزرگی بر گردن کارگران آگاه و مبارز ما قرار دارد که باید با ایجاد تشکل های مخفی که با توجه به شرایط دیکتاتوری و تجربه های موجود الزاماً باید تشکل سیاسی- نظامی مخفی باشد مستقیماً در جهت نابودی جمهوری اسلامی، این اولین مانع اصلی دستیابی کارگران به رهایی حرکت کنند.

در روز جهانی کارگر بار دیگر کارگران آگاه و مبارز را به گام گذاشتن در راه نابودی جمهوری اسلامی و نظم ظالمانه حاکم فرا می خوانیم، تا طبقه کارگر امکان یابد بر ویرانه نظم ظالمانه موجود شرایطی را بنیان بگذارد که به رهایی قطعی کارگران از ظلم و ستم و استثمار منجر گردد.

بر قرار باد اتحاد کارگران سراسر جهان!
نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم
جمهوری اسلامی!
پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!
چریکهای فدایی خلق ایران

اردیبهشت ۱۳۹۷ - آپریل ۲۰۱۸

ایرانیان مبارز!
با کمکهای مالی خود،
چریکهای فدایی خلق را
در راه مبارزه با رژیم
ضد خلقی جمهوری
اسلامی یاری کنید!

صفحه اینستاگرام

بزرگهای ماندگار

BazrhayeMandegar

به صفحه اینستاگرام «چریک های فدایی خلق ایران»
 پیوندید و آن را به دوستان تان هم معرفی کنید.

www.siahkal.com



کمک های مالی.... از صفحه آخر



نروژ

رفیق اسمر آذری ۲۰ یورو
 چریک فدائی خلق فاطمه حسن پور
 ۵۰ یورو
 چریک فدائی خلق مهرنوش ابراهیمی
 ۵۰ یورو
 مادر انقلابی روح انگیز دهقانی
 ۵۰۰ کرون

انگلستان

رفیق امیر پرویز پویان ۸ پوند
 چریک فدائی خلق خشایار سنجرى ۱۰ پوند
 چریک فدائی خلق بهروز دهقانی ۱۰ پوند
 خلق کرد-ن ۲۵۰ پوند

آمریکا

رفیق امیر پرویز پویان ۲۳۰ دلار
 رفیق مسعود احمدزاده ۲۳۰ دلار
 رفیق عباس مفتاحی ۲۴۰ دلار
 رفیق احمد فرهودی ۱۰۰ دلار
 چریک فدائی خلق مرضیه احمدی اسکوئی
 ۱۰۰ دلار

چریک فدائی خلق مسعود احمد زاده

۱۵۰ دلار
 ماهی سیاه کوچولو ۴۰ دلار
 ماهی سیاه کوچولو ۱۰۰ دلار
 ماهی سیاه کوچولو-اوکلند ۱۰۰ دلار

سوئیس

پیام فدائی

۱۰۰ پوند

کانادا

رفیق کبیر مسعود احمدزاده ۵۰۰ دلار
 رفیق کبیر امیر پرویز پویان ۵۰۰ دلار
 رفیق کبیر عباس مفتاحی ۵۰۰ دلار
 رفیق میر هادی کابلی ۴۰۰ دلار
 رفیق مهشید معتضد ۱۵۰ دلار
 رفیق فرشید راجی ۱۵۰

دلار چریک فدائی خلق محمدحسین خادمی

۲۰۰ دلار
 چریک فدائی خلق اسمر آذری ۲۰۰ دلار
 چریک فدائی خلق بهزاد مسیحا

۲۰۰ دلار
 چریک فدائی خلق نوروز قاسمی

۲۰۰ دلار
 چریک فدائی خلق حمید فولاد پور

۲۰۰ دلار
 به یاد رفقای سیاهکل ۲۰۰ پوند
 رفیق فریدون محمدی ۱۵۰ دلار
 رفیق احمد کریمی ۱۵۰ دلار

چریک فدائی خلق کیومرث سنجرى

۱۵۰ دلار
 چریک فدائی خلق خشایار سنجرى

۱۵۰ دلار
 پیام فدائی ۴۰ دلار
 چه گوارا ۷۰ دلار

مبارزین آمریکای لاتین ۱۲,۴۰ پوند
 رفیق ارژنگ شایگان ۳۲۰ کرون
 رفیق عزت بهرامی ۵۰ دلار
 کارگر مکانیک ۶۵ پوند

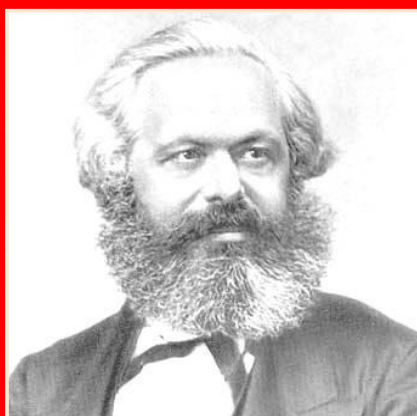
هلند

چریک فدائی خلق کاظم سلاحی

۲۵ یورو
 چریک فدائی خلق جواد سلاحی

۲۵ یورو
 رفیق علی اشترانی ۱۴۰ یورو
 رفیق حمید ابراهیمی ۱۰۰ یورو

گرامی باد خاطره تابناک اندیشمند کبیر و یکی از رهبران جاوید طبقه کارگر، کارل مارکس



**فلاسفه تابه حال همواره
سعی داشته اند که جهان
را به شیوه های گوناگون
تفسیر کنند. نکته اما آن
است که چگونه می توان
آن را تغییر داد.
(کارل مارکس)**

پنجم ماه مه روز تولد مارکس در سال ۱۸۱۸ می باشد و امسال ۲۰۰ سال از تولد این اندیشمند بزرگ کارگران جهان که راه رهائی طبقه کارگر از جور و ستم و استثمار و اساسا رسالت و قدرت این طبقه در از بین بردن جامعه طبقاتی و رسیدن به کمونیسم را با درایت غیر قابل انکار خودش نشان داد می گذرد. مارکس اندیشمندی بود که همواره بر امر سازمانیابی و اتحاد کارگران برای رسیدن به مطالبات شان چه از نظر صنفی و چه از نظر سیاسی تاکید داشت و قدرت کارگران برای رهائی از نظم ظالمانه سرمایه داری را در اتحاد و تشکل و آگاهی آنها می دانست. هر چند اغلب از او به عنوان اقتصادانی که با کشف ارزش اضافی، راز نظام ظالمانه سرمایه داری را آشکار کرده است یاد می شود. اما واقعیت این است که مارکس نابغه ای بود که سه جریان فکری عمده قرن نوزدهم (فلسفه کلاسیک آلمان، اقتصاد سیاسی انگلستان و سوسیالیسم فرانسه) که هر یک از کمبود ها و نادرستی هایی در رنج بودند را در سیستم فکری منسجمی در هم آمیخت و در خدمت رهائی بشریت از ظلم ستم طبقاتی به جهانیان عرضه کرد و به این ترتیب نظریات مارکس به تئوری و برنامه جنبش کارگری همه کشور ها بدل گردید. با گرامیداشت دویستمین سالگرد تولد وی بر این نظر او باید تاکید نمود که همواره می گفت "فلاسفه تابه حال سعی داشته اند که جهان را به شیوه های گوناگون تفسیر کنند، نکته اما آن است که چگونه می توان آن را تغییر داد". امروز دوقرن پس از تولد این اندیشمند کبیر زحمتکشش آموزشهای گرانهای وی هنوز بزرگترین منبع الهام بخش برای تمامی محرومین و ستمدیدگانی ست که در مقابل نظام استثمارگرانه و اهریمنی سرمایه داری ایستاده اند و بی وقفه برای برقراری یک نظام دمکراتیک و انسانی پیکار می کنند.

**یاد و خاطره کارل مارکس بنیانگذار سوسیالیسم علمی
گرامی باد.**

کمک های مالی به چریکهای فدایی خلق ایران

اتریش

سینا	۱۰۰ یورو
استرالیا	
کتاب رفیق احمدزاده به زبان انگلیسی	۱۵۰ دلار
سوالان داغی	۲۰۰ دلار
رفیق امیر پرویز پویان	۲۰۰ دلار
رفیق مرضیه احمدی اسکوئی	۱۰۰ دلار
رفیق مادر (شایگان)	۱۰۰ دلار
رفیق روح انگیز دهقانی	۱۰۰ دلار
تجربیات جنگ چریکی	۱۵۰ دلار

سوئد

طاهر احمدزاده	۵۰۰ کرون
بابوکان	۲۰۰۰ کرون
رفیق اردشیر کارگر	۲۰۰۰ کرون
رفیق ناصر موئی	۱۰۰۰ کرون

نروژ

رفیق طاهره قاسمی	۳۰ یورو
رفیق فاطمه رخ بین	۳۰ یورو
رفیق مهشید معتضد	۲۰ یورو

ادامه در صفحه ۲۳

آدرس پست الکترونیک

E-mail : ipfg@hotmail.com

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 7946494034

برای تماس با

چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM BOX 5051
LONDON WC1N 3XX
ENGLAND

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

www.siahkal.com

از صفحه رفیق اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

www.ashrafdehghani.com

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!